

این جزوه جهت ترویج فرهنگ مهدویت و ارتقای سطح علمی اساتید و دانشجویان محترم در موضوع ظهور و شرایط و اوضاع قبل از ظهور در قالب پاسخ به سوالات و شبهات دوران ظهور و پس از ظهور می باشد که برگرفته شده از پرسمان دانشجویی است. لازم به ذکر است که فهرست مطالب بیان شده به ترتیب سوالات در متن جزوه آمده است امید است مورد استفاده اساتید و دانشجویان محترم واقع شود. م.بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

دوران آخر الزمان ۱۱	اوصاف یاران در قرآن ۴۲
دین داری آخر الزمان ۱۱	اوصاف یاران در حدیث ۴۳
فساد آخر الزمان ۱۵	شناخت عمیق نسبت به خدا ۴۳
علائم و نشانه های ظهور ۱۹	معرفت امام زمان (عج) ۴۳
هنگامه ظهور ۲۳	اخلاص ۴۴
دجال و سفیانی ۲۶	اطاعت و فرمانبری ۴۴
خروج سفیانی ۲۶	استقامت ۴۴
ظهور دجال ۲۸	جان نثاری ۴۴
انتقام امام زمان (عج) ۳۱	برخورداری از تأییدات الهی ۴۴
شرایط ظهور امام زمان (عج) ۳۳	شهادت طلبی ۴۴
قانون و برنامه کامل و جامع ۳۳	صبر و بردباری ۴۴
رهبری مقتدر و توانمند ۳۵	شیران روز و زاهدان شب ۴۴
یاران ایثارگر و مجریان توانمند ۳۵	همدلی ۴۵
آمادگی عمومی و بالارفتن رشد و فهم مردم ۳۶	خواستار برکت ۴۵
یاران امام زمان (عج) ۴۰	عبادت الهی ۴۵
نقش زنان در یاری حضرت ۴۰	شجاعت ۴۵

علم و بصیرت ۴۵	انواع ملاقات و مشاهده ۷۴
حق یآوری ۴۵	دیدگاه ها در مورد ملاقات و مشاهده ۷۴
حکمت نورانی ۴۶	دلایل مخالفان ملاقات ۷۵
دوران ظهور امام زمان (عج) ۴۷	دلایل موافقان دیدار ۷۷
رشد عقلی در عصر ظهور ۴۷	امکان دیدار به صورت محدود ۸۲
عدالت در عصر ظهور ۵۲	دعا برای ملاقات ۸۴
چرایی عدم تحقق عدالت ۵۳	اظهار اشتیاق ۸۶
دین جدید در عصر ظهور ۵۶	راستی یا دروغ گویی ملاقات کنندگان ۹۵
پیروان ادیان در عصر ظهور ۶۰	اعراض از توقیع ۹۸
وضعیت اهل کتاب (یهود و نصار) ۶۶	تعارض با ادعیه و روایات ۹۸
حکومت جهانی در عصر ظهور ۶۷	مفهوم توقیع ۹۹
ناگهانی بودن قیام ۶۷	تشرف آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی ۱۰۳
اصلاح سریع کارها با امدادهای غیبی ۶۷	نماز اول وقت یادت نرود! ۱۰۶
توانمندی و فرماندهی بی نظیر امام (عج) ۶۹	تشرف سید مهدی بحر العلوم ۱۰۸
یاری مؤمنان و صالحان ۷۰	
تسلیم شدن مسیحیان ۷۰	
جنگ ها و نابودی دشمنان قبل از ظهور ۷۱	
استقبال همگانی و مردمی ۷۲	
امکان ملاقات با امام زمان (عج) ۷۳	
ملاقات با امام زمان (عج) ۷۳	

دوران آخرالزمان

دین‌داری آخرالزمان

پرسش ۱. در روایت است که دین‌داری در آخر الزمان، مثل گرفتن آتش در دست است، چرا دین‌داری در این زمان، سخت‌تر از زمان‌های دیگر است؟ اصولاً در عصر نزدیک به ظهور، مردم از دین فاصله می‌گیرند یا این که به طرف دین بیشتر می‌آیند؟

در ابتدا با استفاده از برخی روایات، تصویری از وضعیت دینی در آخرالزمان ارائه می‌شود:

«اسلام و ایمان، غریب می‌شود، همان طور که در ابتدا غریب بود»،

«مساجد از نظر ظاهری آباد، ولی از نظر هدایت خراب هستند»،

«انسان دین خود را می‌فروشد، به گونه‌ای که ممکن است صبح مؤمن باشد و عصر کافر شود یا عصر، مؤمن باشد و صبح کافر گردد»،

«جو عمومی و حاکم، جو کفر و بی‌دینی است؛ به گونه‌ای که حتی بعضی از مؤمنان را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می‌کند»،

«ملت‌های دیگر از ادیان خود، گمراه می‌شوند»،

«هر کس که پرچم گمراهی بلند کند، هوادارانی خواهد یافت»،

«با عقاید اسلامی - حتی ایمان به خدا- به طور علنی برخورد می‌شود»^۲،

«شنیدن حقایق قرآن، بر مردم گران آید؛ اما شنیدن باطل آسان است»،

«مردم نسبت به وقت نماز، بی‌اعتنا می‌شوند»^۳،

«بدعت‌ها ظاهر و زیاد شود»،

«حلال، حرام شود و حرام، حلال» و ...^۴.

^۲ (۱). ر. ک: معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، صص ۸۷، ۷۱، ۴۴، ۳۱ و ... از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

^۳ (۲). ر. ک: بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۶-۲۶۰؛ حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، صص ۲۴۹-۲۵۰.

^۴ (۳). ر. ک: معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، صص ۲۱۸؛ منتخب الاثر، صص ۵۲۷ و ...

مجموع این جملات نورانی، بیانگر وجود نوعی تحیر، پس رفت اعتقادی، ظاهرسازی و رنگ باختن دینداری در آخرالزمان است. چنان که حضرت علی علیه السلام نیز به این مطلب اشاره فرموده است:

«یکون حیره و غیبه تضل فیها اقوام و تهتدی فیها آخرون»^۵؛ «غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که گروه‌هایی گمراه می‌شوند و دسته‌ای دیگر هدایت می‌یابند».

وضعیت دینداری در آخرالزمان سخت و شکننده و میزان رویگردانی اغلب مردم از دستورات الهی، زیادتر است. این مسئله دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد، از جمله:

۱. تحریف در آموزه‌های متعالی و راستین دین در این عصر فزونی می‌گیرد و ادیان و مکاتب مختلفی شکل می‌گیرد؛ این ادیان ساختگی، رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و باورهای راستین حق گرایانه هستند.
- در روایات نیز اشاره شده که سرگردانی در عقاید دینی، نتیجه جریان‌ات باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت ظاهر می‌شود.^۶
۲. غول‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای، به شدت با اسلام درگیر می‌شوند و با انواع تخریب‌ها و تحریف‌ها و سیاه نمایی‌ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام و دین نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطن‌آمیز واقعیت‌ها را تحریف و تخریب می‌کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می‌شوند و گاه از دین خود شرم‌منده می‌شوند، و از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می‌دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می‌کنند، به گونه‌ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان کنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می‌شود که برخی، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند و حتی انسانیت را زیر پا قرار می‌دهند روشن است که با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.
۳. مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن دور می‌شوند. این دور شدن به چند شکل اتفاق می‌افتد. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام؛ یعنی، مردم به جای این که دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش بدهند.^۷
- همچنین به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیرمعقول از قرآن عرضه می‌شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکثرگرایی رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن در بین مردم گم شود و کسی نداند که منظور خداوند از نزول فلان آیه یا سوره یا کل قرآن و اسلام چیست.
- در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند، زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد.^۸

^۵ (۴). الغیبة نعمانی، ص ۱۰۴؛ تاریخ غیبت کبری، ص ۲۴۶.

^۶ (۵). ر. ک: اشاره الاسلام، ص ۸۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

^۷ (۱). ر. ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

با این حال نباید از نظر دور داشت که اگر حفظ دین در آخرالزمان دشوار است به همان نسبت عوامل و زمینه های دیندار شدن نیز بهتر و بیشتر فراهم است.

برای نمونه در هیچ زمانی به اندازه زمان ما ابزار و وسایلی که بتوان با کمک آنها دین را شناخت فراهم نبوده است؛ مانند کتاب، صوت، تصویر و نیز گسترش دانش و معارف. اگر در گذشته شخصی برای استماع حدیثی فرسنگ ها راه بیابان را طی می نمود، امروز با زدن چند کلید رایانه و یا مراجعه ساده به کتاب ها و نیز امواج رادیویی و تصویری و ... می تواند به همان اطلاعات دسترسی پیدا کند. علاوه بر آنکه مردم آخرالزمان از عقل و هوش بیشتری برخوردارند.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند آیات سوره توحید و نیز اول سوره حشر را برای مردم آخرالزمان نازل کرده است، چرا که مردم آخرالزمان از عقل و بینش بالاتری برخوردارند».

از طرف دیگر هر چند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است؛ ولی پاداش انسان های متدین و دین مدار نیز افزون است.

در روایتی پیامبر گرامی اسلام به اصحابش فرمود: «به زودی گروهی بعد از شما می آیند که یک نفر از آنان اجر پنجاه نفر از شما (صحابه) را دارد».

اصحاب گفتند: «یا رسول الله! ما با تو در بدر و احد و حنین شرکت داشتیم و قرآن در میان ما نازل شد». پیامبر فرمود: «اگر بر شما وارد می شد آن چه آنان تحمل می کنند، مانند صبر آنان صبر نمی کردید»^۹.

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیرمؤمنان: «در کارها و فداکاری های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریک اند»^{۱۰}. «و اینان کسانی اند که پیامبر،

آنان را برادر خود خوانده و آرزوی دیدار آنان را کرده است»^{۱۱} و «افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده است»^{۱۲}.

بنابراین در این دوران عده ای از مردم، به اوج تقوا و دین داری رسیده و به آن پایبند هستند. اینان یاران و دوستان حضرت مهدی (عج) هستند و تلاش می کنند تا زمینه ظهور و قیام آن حضرت را فراهم سازند و جامعه را آماده کنند.

^۸ (۲). ر. ک: تفسیر فرات کوفی، ص ۱۳۹.

^۹ (۱). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

^{۱۰} (۲). همان، ص ۱۳۱، ح ۳۲.

^{۱۱} (۱). همان، ص ۱۳۳، ح ۳۶.

^{۱۲} (۲). همان، ص ۱۴۳، ح ۵۹.

پرسش ۲. آیا درست است که در آخرالزمان به طور کلی جهان به فساد کشیده شده و ظلم و تباهی همه جا را فرا خواهد گرفت و در آن حال، امام عصر ظهور خواهند کرد؟ در این صورت این سؤال مطرح می شود که اگر سرانجام و به طور طبیعی چنین فساد و طغیانی، جهان را فرا خواهد گرفت، پس چرا باید به سمت اصلاح خود و جامعه حرکت کنیم؟

این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت انسانی و دینی و برداشت غلط از موضوع ظهور است؛ زیرا:

اولاً؛ هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشروط به چنین شرطی نیست؛ یعنی، تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند و عمل به آنها الزامی است؛ چه موجب تسریع در ظهور شود یا تأخیر آن.

ثانیاً؛ آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد، دست روی دست بگذاریم و همه آیات و روایات را به کناری بگذاریم؛ به این بهانه که ما می خواهیم در ظهور تعجیل گردد! آیا این عذری خداپسندانه است؟!

ثالثاً؛ در احادیثی که وظایف منتظران مشخص شده، همه جا سخن از تقوا، ورع، عفاف، دوری از گناه و قرب به خداوند است.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس خشنود می شود که از اصحاب قائم باشد، پس باید منتظر باشد و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور بمیرد، اجر او مانند کسی است که زمان ظهور را درک کرده است. «پس (در جهت نیکی ها) بکوشید و منتظر باشد.

(این انتظار)، گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده»^{۱۳}.

علمای ما درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتاب های مستقلی نوشته یا فصل های از کتاب خود را بدان اختصاص داده اند (مانند نجم الثاقب، مکیال المکارم و ...).

در این کتاب ها و مشابه آنها- که تنها براساس روایات معصومین نوشته شده- هیچ گاه پر کردن جهان از فساد و تباهی به عنوان وظیفه منتظران در زمان غیبت، یاد نشده است.

از همه اینها گذشته، ما باید موضع و موقعیت خود را در زمینه قیام امام مهدی (عج) مشخص کنیم. بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی، برای درهم کوبیدن و حذف آنان صورت می گیرد!! اگر در صدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که

در زمره اصحاب فداکار عضویت خواهند داشت. بنابراین به فرض این که با ساکت بودن و به نظاره نشستن و یا کمک کردن به توسعه فساد، ظهور حضرت را پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم. مگر نه این است که حضرت بقیه الله برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط محرمات الهی و فسادگری و اصلاح انسان ها و جوامع، قیام می کند. پس چگونه می توانیم از قیام آن بزرگوار بهره مند شویم.

گفتنی است که بیان وضعیت فساد آلود و معصیت بار جهان در آخرالزمان، هم هشدار به جوامع انسانی است و هم علامتی خبر دهنده از نزدیکی قیام و ظهور امام زمان (عج) می باشد. این هشدارها و پیش گوئی ها وظیفه ما را سنگین می کند و ما را نسبت به عواقب شوم فساد و تباهی آگاه می سازد.

محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ فرمود: «هنگامی که مردان خود را شبیه زنان کنند و زنان، شبیه مردان شوند، آن گاه مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان!!»^{۱۴}.

استاد مطهری در این زمینه می نویسد: «برداشت قشری از مردم درباره مهدویت و قیام انقلاب مهدی موعود (عج)، این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم ها، تبعیض ها، اختناق ها، حق کشی ها و تباهی ناشی می شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشانی ها است. آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت، هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب

برای نجات حقیقت از آستین بیرون می آید. از این رو هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی است، دست غیب ظاهر نمی شود؛ به عکس هر گناه، هر فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند و رواست، و هدف ها، وسیله های نامشروع را مشروع می کنند! پس بهترین کمک به تسریع در ظهور، ترویج و اشاعه فساد است! اینجاست که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی.

این گروه به طور طبیعی به مصلحان، مجاهدان، آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نوعی بغض و عداوت می نگرند، زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود می شمارند.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

در حالی که آیات قرآن کریم در جهت عکس برداشت بالا است؛ ظهور مهدی موعود، حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد اهل ایمان و عمل صالح باشد.

ظهور مهدی موعود تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتاب‌های آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد»^{۱۵}.

ایشان در فراز دیگری می‌نویسد: «حدیث معروف که می‌فرماید: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^{۱۶} نیز شاهد مدعای ما است، نه بر مدعای آن گروه. در این حدیث نیز تکیه روی ظلم شده است و سخن از

گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی (عج) برای حمایت از مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند

شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند مبنی بر این که این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر این که هر یک از شقی و سعید، به نهایت کار خود برسد.

پس سخن در این است که گروه سعدا و گروه اشقیا، هر کدام به نهایت کار خود برسند.

در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند.

معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده‌ای را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است؛ بلکه اگر به فرض اصل حق از نظر کمیت، قابل توجه نباشد، از نظر کیفیت، ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء»^{۱۷}.

علائم و نشانه‌های ظهور

پرسش ۳. منظور از نشانه‌های ظهور چیست؟

شیخ مفیده (ره) در کتاب الارشاد انبوهی از این نشانه‌ها و علائم را به طور فشرده نقل کرده است. به نظر او مهمترین نشانه‌ها عبارت است از:

۱. جنبش ارتجاعی سفیانی.

^{۱۵} (۱). قیام و انقلاب مهدی موعود، ص ۵۶-۵۴.

^{۱۶} (۲). الاستجداد من الارشاد (المجموعه)، علامه حسن بن مطهر الحلی، ص ۲۶۳.

^{۱۷} (۱). همان، ص ۵۶ و ۵۷.

۲. قتل سید حسنی.

۳. جنگ قدرت بنی عباس.

۴. گرفتن خورشید در نیم روز ماه رمضان.

۵. شکافته شدن زمین و فرورفتن تجاوزکاران.

۶. فرورفتن زمین در مشرق و مغرب.

۷. توقف خورشید به هنگام نیم روز در وسط آسمان.

۸. طلوع خورشید از مغرب.

۹. قتل نفس زکیه پشت دروازه کوفه در زمره هفتاد تن از شایستگان.

۱۰. بریده شدن سر مردی از بنی هاشم در میان رکن و مقام.

۱۱. ویران شدن دیوار مسجد کوفه.

۱۲. حرکت پرچم های سیاه از طرف خراسان.

۱۳. قیام جنبش یمنی.

۱۴. آشکار شدن مرد مغربی و تصرف سرزمین شام به وسیله لشگر او.

۱۵. فروآمدن ترک ها در جزیره.

۱۶. فروآمدن رومیان در رمله.

۱۷. طلوع ستاره ای درخشان و نورانی بسان ماه و آن گاه انعطاف خاص آن.

۱۸. پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان.

۱۹. پیدایش ستون آتشی در مشرق به مدت سه تا هفت روز.

۲۰. قیام امت عرب و برکنار شدن زمامداران عرب به وسیله ملت های خویش و به دست گرفتن زمام امور کشورها به وسیله مردم.

۲۱. خروج جهان عرب از سیطره عجم (احتمالاً غربی ها).

۲۲. کشته شدن رهبر مصر به دست مردم.
۲۳. انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن.
۲۴. ورود پرچم های قیس و عرب به مصر و پرچم های «کنده» به خراسان.
۲۵. ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن به آنها به دروازه شهر حیره.
۲۶. شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب در کوچه های کوفه.
۲۷. خروج شصت پیامبر دروغین.
۲۸. خروج دوازده امام دروغین.
۲۹. به آتش کشیده شدن مرد گران قدری از بنی عباس بین جلولا و خانقین.
۳۰. ایجاد پل ارتباط میان کوفه و بغداد.
۳۱. وزش بادی سیاه در آغاز روز.
۳۲. ترس و ناامنی فراگیری که همه عراق و بغداد را فرا می گیرد.
۳۳. مرگ سریع و دردناک و نقص و زیان در اموال و جان و ثمرات.
۳۴. آفت ملخ نابهنگام و بهنگام کشاورزی.
۳۵. برداشت کم محصولات زراعی.
۳۶. جنگ قدرت میان عجم (غیرعرب) و خونریزی بسیار در میان آنان.
۳۷. شورش بردگان بر ضد برده داران و کشتن آنان.
۳۸. مسلمان شدن گروهی از بدعت گذاران و به صورت میمون و خوک درآمدن آنان.
۳۹. تسلط کشورهای عقب مانده به کشورهای زورمندتر و ثروتمند.
۴۰. طنین افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش جهانیان به زبان های گوناگون.
۴۱. پدیدار شدن چهره و سینه ای در کره خورشید.

۴۲. زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا به گونه‌ای که مردم آنان را شناخته و با آنان دیدار می‌کنند^{۱۸}. ... آن گاه است که (مردم) از ظهور آن امام موعود در مکه مکرمه و بیت الله آگاه می‌گردند و با شور و شوق و اخلاص به یاری او می‌شتابند^{۱۹}.

در رابطه با این علایم و نشانه‌ها، توجه به چند نکته بایسته است:

۱. باورداران به مصلح کل امام عصر (عج)، باید همواره چشم انتظار ظهور آن حضرت باشند و با بهره‌گیری از اصل انتظار، آمادگی‌های لازم را برای یاری و همراهی با امام موعود خویش کسب کنند. این که هنوز بعضی از نشانه‌ها تحقق نیافته باشند، هرگز به معنای نفی لزوم انتظار در هر روز و شب نیست.

۲. علایم و نشانه‌های ظهور، چیزهایی هستند که تا واضح نشوند، حضرت صاحب الزمان ظاهر نمی‌شود و حدوث هر یک از آنها، دلیل این است که ایام فرج تا اندازه‌ای نزدیک شده است؛ اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت، بلافاصله حضرت صاحب الامر ظهور کند؛ ولی در مورد بعضی از آنها (مانند قیام سید حسنی، و خروج سفیانی و ...)، تصریح شده که مقارن ظهور آن حضرت واقع می‌شود.

۳. خداوند امر ظهور امام زمان را تنها در یک شب، مقرر خواهد فرمود و در این صورت نیازی به مقدمات طولانی نخواهد بود، بلکه بسیاری از نشانه‌های ذکر شده در روایات ممکن است طی همان یک شب و روز تحقق یابد.

۴. بعضی از علایم و نشانه‌ها، به طور اعجاز و خارق العاده واقع می‌شوند تا صحت ادعای مهدی موعود (عج) را تأیید کنند و اهمیت مسئله و فوق العاده بودن اوضاع را به جهانیان اعلام دارند. حکم این علایم با سایر معجزات یکسان است و به صرف این که با جریان عادی سازگار نیست، نباید آنها را مردود شناخت.

۵. یکی از دلایل ذکر این نشانه‌ها در روایات، آشنا شدن مردم با شرایط ویژه‌ای است که قبل از قیام جهانی امام مهدی (عج) پدید می‌آید. آشنایی مردم با این ویژگی‌ها، می‌تواند عامل مهمی در شناسایی مدعیان دروغین مهدویت و رسوایی فرصت‌طلبانی باشد که از جهالت مردم تحت پوشش نام مهدی (عج) سوء استفاده می‌کنند!

۶. احادیث اهل بیت علیهم السلام علایم ظهور را به دو قسم تقسیم کرده‌اند:

یکی از آنها علایم حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود.

قسم دوم؛ یعنی، علایم غیر حتمی، حوادثی است که به طور مطلق و حتم از نشانه‌های ظهور نیست؛ بلکه مشروط به شرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد، مشروط نیز محقق می‌شود.

^{۱۸} (۱). الارشاد، ص ۳۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

^{۱۹} (۲). ر. ک: محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

هنگامه ظهور

پرسش ۴. اینکه بعضی از علایم ظهور به وقوع پیوسته، آیا نمی‌تواند نشانه‌ای از نزدیک بودن قیام حضرت مهدی (عج) باشد؟

برخی بر این باورند که بسیاری از علایم ظهور اتفاق افتاده و تنها علایم حتمی ظهور باقی مانده است؛ پاسخ این است که واقعاً نمی‌توان سخنی قطعی و کامل در این مورد گفت؛ زیرا منابع اصلی و قدیمی شیعه، معمولاً از نشانه‌های خاص و محدود نام برده‌اند و بعضی از این نشانه‌هایی که به عنوان علایم اتفاق افتاده مطرح می‌شود، در این منابع وجود ندارد و یا بسیار کم رنگ مطرح شده است پس ارائه نظر قطعی در مورد این نشانه‌ها، نیاز به پژوهش‌های علمی و گسترده در همه این منابع دارد.

از طرفی، سخن از واقع شدن بعضی از نشانه‌ها و تطبیق آنها با حوادث خارجی، دشوار است. به عنوان نمونه، در مواردی که سخن از یک علامت و ظهور فرج بعد از آن مطرح شده، منظور گشایش و راحتی برای مؤمنان است (نه ظهور حضرت مهدی (عج)).

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «منتظر صدایی باشید که از طرف دمشق، ناگهان به شما می‌رسد که آن، گشایشی بزرگ برای شما خواهد بود»^{۲۰}.

در بعضی از روایات، سخن امام به گونه‌ای است که خبر از یک اتفاق و واقعه می‌دهد، نه اینکه بخواهد آن واقعه را یکی از علایم ظهور معرفی کند؛ مانند وقوع گرمای شدید در زمین^{۲۱}.

بعضی از نشانه‌ها نیز طوری است که می‌تواند معنای دیگری - غیر از معنای ظاهری - داشته باشد؛ مانند طلوع خورشید از مغرب که شاید کنایه به ظهور از مکه باشد. چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «و هو الشمس الطالعة من مغربها»^{۲۲}.

با این حال بعضی از علایم و نشانه‌های ظهور محقق شده است^{۲۳}. و این می‌تواند نویدی از نزدیک شدن ظهور باشد. البته باید دانست قیام امام وابسته به تحقق علایم نیست، بلکه وقوع آنها خبر از نزدیک ظهور می‌دهد. پس به استثنای برخی از علایم (نشانه‌های حتمی)، هیچ یک دلالت ندارند که میزان نزدیکی آن حوادث با ظهور چه قدر است؟ برای مثال ممکن است پدیده‌ای قرن‌ها قبل از قیام رخ دهد و پدیده‌ای در بیست یا سی سال قبل از ظهور رخ نماید.

^{۲۰} (۱). الغیبة نعمانی، ب ۱۴، ح ۶۶.

^{۲۱} (۲). همان، ح ۴۴.

^{۲۲} (۳). بحارالانوار، ح ۵۲، ح ۲۶.

^{۲۳} (۴). ر. ک: محمد صدر، تاریخ غیبت کبری.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

بنابراین انتظار ظهور با دیدن این حوادث نباید به نحو عجولانه باشد، یعنی فکر کنیم با پیدایش فلان حادثه حتماً تا چند روز یا هفته دیگر قیام شروع خواهد شد، بلکه این مسائل، بیداری را در ما به وجود می آورد که یک گام به آن وعده بزرگ الهی نزدیک شده ایم و باید خود را بیش از پیش در مسیر این نهضت جهانی، آماده کنیم. ظهور حضرت مهدی (عج)، منوط به

اذن الهی است و اذن الهی زمانی است که شرایط و زمینه های ظهور فراهم باشد.

در این رابطه توجه به چند نکته بایسته است:

یکم. عده ای با توجه به اوضاع و شرایط فعلی حاکم بر جهان به این باور رسیده اند که دوره ای که ما در آن زندگی می کنیم همان دوره آخرالزمان است که در روایات به آن اشاره شده است؛ زیرا برای آخرالزمان نشانه هایی گفته شده (مانند گسترش فساد و تفسیر دین براساس هوا و هوس و ...) که این نشانه ها در دوره زمانی ما به وقوع پیوسته است پس زمان کنونی آخرالزمان است و ظهور نیز در این دوران محقق می شود. به علاوه با وجود انقلاب اسلامی ایران و زنده شدن نام و یاد امام زمان (عج)، آمادگی و اقبال مردم برای پذیرش ایشان بیشتر شده و امید به ظهور زیادتر گشته است.

دوم. برخی از علما معتقدند: همان گونه که غیبت دو مرحله ای بود و غیبت صغری برای ایجاد آمادگی مردم برای ورود به غیبت کبری لازم بود، ظهور نیز ممکن است دو مرحله ای باشد و با ظهور صغری که در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافته است، مردم با حقیقت قیام امام زمان آشنایی بیشتری پیدا کرده اند و برای ظهور اصلی و قیام جهانی حضرت آماده می شوند.

سوم. حرکت عمومی کشورها و جوامع به سمت وحدت و همگرایی و به عبارت دیگر توجه به تشکیلات بین المللی و اتحادیه های منطقه ای و فاصله گرفتن از جزءگرایی، ملت ها را به این نتیجه رسانده که برای آینده ای بهتر، باید مرزها را به حداقل رساند و جهان را دهکده ای کوچک دانست. این رویداد، آمادگی مردم برای پذیرش یک حاکمیت فراگیر، بیشتر کرده است. البته استکبار جهانی تئوری دهکده جهانی را در جهت حفظ منافع خود و تک قطبی شدن جهان پی گیری می کند اما چه بسا اراده الهی به دست دشمنان خدا نیز انجام گیرد.

چهارم. اجحاف و تجاوز بیش از حد و روز افزون دولت های استکباری به کشورهای فقیر به شکل های گوناگون از یک سو و لجام گسیختگی فرهنگی و فکری و علمی؛ مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مدنیت از سوی دیگر، باعث هرج و مرج در زندگی بشر شده است.

این گونه مسائل و مباحث این واقعیت را اثبات می کند که آینده روشن فقط در سایه حاکمیت فردی آسمانی است که احتمالاً ظهورش نزدیک است.

پنجم. گاهی خبرهایی مبتنی بر نزدیکی ظهور به برخی از شخصیت های نسبت داده می شود که نیاز به تامل و بررسی دارد. باید دانست که امر مشخص نمودن زمان ظهور را فقط در اختیار خداوند است و هیچ کس نمی تواند برای آن زمانی معین کند، ولی متأسفانه گاهی شایعاتی مطرح می شود که به هیچ عنوان اساس درستی ندارد.

دجال و سفیانی

پرسش ۵. دجال و سفیانی کیستند و چرا خروج آنها از علایم حتمی ظهور شمرده شده است؟ آیا آنان واقعاً به جنگ با حضرت مهدی (عج) خواهند پرداخت؟

البته خروج سفیانی از علایم حتمی ظهور است اما خروج دجال از نشانه های حتمی نیست. اینک درباره هر یک به اختصار توضیح می دهیم.

الف. خروج سفیانی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «السفیان من المحتوم و خروجه فی رجب...»^{۲۴}؛ «سفیانی از نشانه های حتمی است و (آغاز) شورش او در ماه رجب خواهد بود...».

وی از اولاد ابوسفیان و نامش براساس بعضی از روایات عثمان بن عتبّه است.

سفیانی با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد و به گرد خود می آورد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در می آورد و بر مناطق شام، دمشق، حمص، فلسطین سیطره و تسلط می یابد اما مناطق شیعه نشین تسلیم او نمی شوند و به همین جهت در کوفه و نجف به قتل عام شیعیان می پردازد و برای کشتن و یافتن آنها جایزه تعیین می کند.

در روایات توصیفات زیادی از او شده و تا حدودی شخصیت او به تصویر درآمده است: «پسر خورنده جگرها از بیابان خشک بیرون می آید و او مردی است میانه بالا و بزرگ سر و آبله رو. زمانی که او را می بینی، گمانت که او اعور است. نامش عثمان و نام پدرش عتبّه است او از فرزندان ابوسفیان است.

هر گاه به سرزمینی می رسد که همواره دارای آب صاف است، آنجا مستقر می شود»^{۲۵}.

سفیانی شورش خود را از خارج دمشق (منطقه وادی یابس) شروع می کند و آن مصادف با سالی است که امام زمان قیام خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «خروج سفیانی و قیام قائم، در یک سال است»^{۲۶}.

^{۲۴} (۱). الغیبة نعمانی، ص ۲۰۲.

^{۲۵} (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۱، ج ۲۶، از امام علی علیه السلام.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجوئی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

او در شهرهای اسلامی (به خصوص عراق) به کشتار می پردازد و براساس روایات با سپاه یمانی و سید خراسانی درگیر می شود. آن گاه به سمت جزیره العرب (عربستان) نیز بر می دارد و پس از فتح مکه سه روز به غارت و کشتار مردم مدینه و تخریب مسجد النبی مشغول می شود. وی آن گاه که از ظهور مهدی (عج) با خبر می گردد، با سپاهی عظیم به جنگ آن حضرت می رود

و در منطقه بیدا (بین مکه و مدینه)، سپاه امام (عج) برخورد می کند و به امر خدا، همه لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می روند و هلاک می شوند^{۲۷}.

براساس پیش بینی برخی روایات، قیام حضرت مهدی (عج) حدود نه ماه بعد از خروج سفیانی، خواهد بود.

هشام بن سالم می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی سفیانی به پنج شهر مسلط شد، نه ماه بشمارید...»^{۲۸}. در واقع مدت فعالیت سفیانی پانزده ماه خواهد بود که شش ماه آن به تصرف مناطق و جنگ های مختلف می گذرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «چون سفیانی به مناطق پنج گانه سیطره یافت، برایش نه ماه بشمارید (فعدوا له تسعة اشهر)»^{۲۹}.

بدون تردید در حکومت حضرت مهدی (عج)، کسانی همانند سفیانی، مجالی برای تحرک و فعالیت نخواهند داشت. از آنجایی که سفیانی خصومت شدیدی با حضرت مهدی (عج) خواهند داشت و ندای دعوت او را اجابت نخواهد کرد، با اقدامات قاطع آن حضرت رو به رو خواهد بود. برخی روایات بر کشته شدن او به دست امام مهدی (عج) دلالت می کنند. از جمله امام علی علیه السلام می فرماید:

«خداوند سپاه سفیانی را نابود می کند و هیچ کس از آنها جز سفیانی روی زمین باقی نمی ماند؛ در این حال مهدی (عج) او را می گیرد و گردن می زند...»^{۳۰}.

ب. ظهور دجال

یکی از نشانه هایی که درباره آن، مطالب زیادی مطرح شده و جزو علایم غیرحتمی است، ظهور دجال است. آنچه در توصیف دجال معروف است،

این است که وی مردی است کافر (برعکس سفیانی که ادعای مسلمانی می کند و ذکر یارب یارب می گوید و ...) یک چشم بیش ندارد، آن هم در پیشانی اش واقع شده و مانند ستاره ای می درخشد.

^{۲۶} (۲). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۳۴.

^{۲۷} (۱). ر. ک: تاریخ غیبت کبری، ص ۵۲۰-۵۱۸؛ الملاحم و الفتن، ص ۵۷.

^{۲۸} (۲). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

^{۲۹} (۳). الغیبة نعمانی، ص ۴۳۲، ح ۱۳.

^{۳۰} (۴). التشریف بالمنن، ص ۲۹۶، ح ۴۱۷.

حال منظور از این دجال کیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟

دجال از ریشه دجل به معنای دروغ گوی حيله کار است. اصل داستان دجال در کتاب های مسیحیان است. در انجیل این واژه بارها به کار رفته است و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند، به عنوان دجال یاد شده است.

در ترجمه انگلیسی کتاب های مقدس مسیحی واژه «آنتی کراست»^{۳۱} (دجال، ضد مسیح) به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه های برپایی قیامت دانسته شده است. در کتاب های روایی شیعه، تنها چند روایت در مورد خروج دجال به عنوان یکی از علایم ظهور حضرت مهدی (عج) آمده است که از نظر سند، معتبر و قابل قبولی نیستند.^{۳۲}

در حدیثی آمده است: «هنگامی که غنایم قسطنطنیه را تقسیم می کنند، خبر خروج دجال به حضرت و یارانش می رسد»^{۳۳}.

با توجه به معنای لغوی «دجال»، مقصود از آن، چه بسا نام شخص معینی نباشد؛ بلکه هر کس که با ادعای پوچ و بی اساس و با تمسک به انواع و اسباب حيله گری و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس دجال ها متعدد خواهند بود. بنابراین احتمال، قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب مهدی (عج)، افراد حيله گری برای نگه داشتن

فرهنگ و نظام جاهلی همه تلاش خود را به کار می گیرند تا با تزویر و حيله گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبری دچار تردید سازند!!

چه بسا «دجال» کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر ضد جهان باشد.

استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی، صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند.

براین اساس است که پیامبران، امت های خود را از فتنه دجال بیم داده اند:

«ما بعث الله نبیا الا و قد انذر قومه الدجال»^{۳۴}؛ «هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آنکه قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت».

^{۳۱} (۱).

۱. Antichrist.

^{۳۲} (۲). ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

^{۳۳} (۳). معجم احادیث امام مهدی، ج ۲، ص ۵۰.

^{۳۴} (۱). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵؛ ر. ک: دادگستر جهان، ص ۲۲۳، چشم به راه مهدی، ص ۲۸۹.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

به نظر نگارنده، ظهور شخصی به نام دجال و دشمنی های شدید او با امام مهدی و فتنه های فراوان او، قرین صحت است و براساس روایات گروه های فراوانی (چون یهودیان، زنا زادگان، شراب خواران، آوازه خوانان، افراد سفیه و ...) از او حمایت خواهند و فرجام کار او نیز کشته شدن به دست امام مهدی (عج) است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم بعد از غیبت ظهور می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می سازد»^{۳۵}.

البته در منابع اهل سنت آمده که دجال به دست عیسی علیه السلام کشته می شود که منافاتی با این دیدگاه شیعه ندارد؛ زیرا عیسی علیه السلام تابع حضرت مهدی (عج) بوده و به دستور او دجال را می کشد.

انتقام امام زمان (عج)

پرسش ۶. امام زمان را دوست دارم؛ ولی از آنجایی که می دانم در صورت ظهور، ایشان انتقام مظلومان را می گیرد

و انسان های بد رابطه سزای اعمال شان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم، می ترسم جزء آن انسان ها باشم! به همین دلیل از ایشان می ترسم؟!

با شناخت و بینش درست نسبت به اهداف و فلسفه قیام امام مهدی (عج) نه تنها انسان را ترس فرا نمی گیرد، بلکه از آن استقبال کرده و از آن راضی و مسرور خواهد شد.

در روایات مختلفی آمده است: «یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض ...»^{۳۶}؛ «ساکنان آسمان و زمین از او خشنودند» و «یتمنی الاحیاء الاموات مما صنع الله عز و جل باهل الارض من الخیر»؛ «... زندگان آرزو می کنند ای کاش مردگان می دیدند که آنچه خداوند از خیر و خوبی برای مردم انجام داده است»^{۳۷}.

مردم به مهدی (عج) مهر می ورزند و به سوی پناه می برند آن چنان که زنبورهای عسل به سوی ملکه خود پناه می برند (یاوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسو بها) عدالت را در پهنه گیتی می گسترانند و صفا و صمیمت صدر اسلام را به آنان باز می گردانند^{۳۸}.

آری این درخشان ترین و شکوهمندترین لحظه تاریخی است که کل بشر آمال و آرزوهای صلح گرایانه و عدالت خواهانه را در سیما و رفتار حضرت مهدی (عج) متجلی خواهند دید و مشتاقانه و آگاهانه از او اطاعت

خواهند کرد و به وجودش خواهند بالید. براین اساس او امام بر حق و خلیفه و حجت خدا بر روی زمین است و نجات دهنده و یاور مستضعفان و صالحان می باشد. زمانی که او ظهور می کند همه موجودات استعداد های نهانی غایی خود

^{۳۵} (۲). معجم احادیث الامام مهدی (عج)، ج ۲، ص ۱۳۴.

^{۳۶} (۱). کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱.

^{۳۷} (۲). بشاره المصطفی، ص ۲۵۰.

^{۳۸} (۳). منتخب الاثر، ص ۵۹۸، ح ۲.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

بروز خواهند داد و از جماد و نبات گرفته تا انسان، همگی مانند زمین تشنه‌ای که باران را در خود جذب می‌کند استعداد های واقعی خود را نشان می‌دهند و به کمال و معنویت سوق داده می‌شوند. با وجود مبارک امام عصر حتی زمین‌ها، کوه‌ها و طبیعت به برکت قدمش، با برکت می‌شوند و به استقبالش خواهند شتافت. پس به جای ترس و نگرانی و به جای اضطراب و ناراحتی با نگاهی امیدوار و نشاطی روح‌افزا در جهت آمادگی برای استقبالش تلاش کنیم.

حکومت امام زمان تمامی عالم را فرا خواهد گرفت و حصارها و مرزها برچیده و قانون الهی حاکم خواهد شد. امام مهدی (عج) در نخستین قدم اصلاحی و تربیتی، عقل و دانش مردم را کامل و اخلاق و رفتارشان را اصلاح خواهد کرد؛ یعنی مهم‌ترین برنامه او فرهنگی و تربیتی خواهد بود، نه برخوردهای تنبیهی و استبدادی. در واقع آن حضرت برای نجات و رستگاری مردم می‌آید، نه برای سخت‌گیری و دشمنی. به همین جهت همه در راحتی و امن و امان خواهند بود.

او نجات دهنده بشریت از ظلم و کفر و جهل و بیداد است. در پرتو هدایت گری و ارشادات او، انسان‌ها در مسیر تعالی و تکامل قرار گرفته و تمامی کوتاه بینی‌ها، تنگ نظری‌ها و افکار بسته و کوتاه- که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی است- برطرف خواهد شد و

حال با این مطلب مزده و خبر مسرت بخش باید کاملاً امیدوار بود و در آرزوی تحقق این حکومت جهانی، لحظه شماری کرد. البته وحشت و بیم

برای گروه باطل (مفسدان، ظالمان و کافران) است؛ آن هم در صورتی که ایمان نیاورند و یا عمل خیری انجام ندهند و بر ظلم و فسادگری خود پافشاری کنند که مشمول خشم و قهر حضرت خواهند شد.

شرایط ظهور امام زمان (عج)

پرسش ۷. می‌گویند امام مهدی (عج) زمانی ظهور می‌کند که شرایط آن فراهم شود؛ با توجه به وضعیت فعلی جهان آیا می‌توان گفت ظهور نزدیک است و نیز شرایط فراهم است؟

شرایط به اموری گفته می‌شود که تحقق ظهور وابسته به وجود آنهاست و تا آنها محقق نشوند، ظهوری در کار نخواهد بود. اما علایم و نشانه‌ها، آن دسته رویدادها و حوادثی است که براساس گفته پیشوایان معصوم، قبل و یا در آستانه ظهور واقع خواهد شد و تحقق هر کدام نوید نزدیک بودن قیام حضرت را می‌دهد. براین اساس انقلاب جهانی امام علاوه بر این که دارای علایم و نشانه‌هایی است که پیش از وقوع آن روی می‌دهد، دارای یک سری شرایط و بایسته‌هایی است که با تحقق آنها، قیام اتفاق خواهد افتاد. در رابطه با این انقلاب و یا هر انقلاب واقعی دیگر، چند شرط متصور است.

یک. قانون و برنامه کامل و جامع

جزوه پرسش و پاسخ‌های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

می‌دانیم که زندگی بشری به خصوص در عصر حاضر با کاستی‌ها و دشواری‌های فراوانی رو به رو بوده و مهم‌ترین خواسته‌ها و نیازهایش از جمله عدالت، معنویت و رفاه واقعی است هیچ مکتب و دولت و انقلابی نیز نتوانسته

به طور اساسی مشکلات بشر را برطرف کند و اگر موفقیتی داشته در بعضی از ابعاد و محدود بوده است. در واقع برای رفع همه کاستی‌ها و تحقق اهداف عالی جامعه بشری نیاز به یک برنامه کامل و جامع است که تاکنون هیچ یک از مکاتب و نحله‌های بشری نتوانسته‌اند آن را ارائه دهند و این تنها در کتاب آسمانی (قرآن) وجود دارد که حضرت مهدی (عج) مبین آن و تحقق بخش تمامی آموزه‌های آن با یک انقلاب جهانی خواهد بود.

یک انقلاب برای در هم شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه‌ای جامع برای مبارزه با مشکلات و تغییر وضع موجود.

۲. قانون متناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و براساس نیازهای واقعی جامعه.

قیام حضرت مهدی (عج) نیز این شرط لازم را دارد. برنامه انقلاب جهانی آن حضرت مبارزه پیگر و جدی با حکام جور و سردمداران فکری و نظامی جامعه بشری و نابودی کامل فساد و ظلم و کفر است. آن حضرت هم دارای این برنامه و هدف است و هم براساس پیش‌بینی‌های قرآنی و روایی موفق و پیروز خواهد بود.

برنامه حضرت در قسمت دوم، براساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است که کامل‌ترین و بهترین برنامه زندگی انسانی است. این قانون جامع، متناسب با همه نیازهای جامعه و ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سیره و سنت او، سنت من است مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند»^{۳۹}.

دو. رهبری مقتدر و توانمند

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب وجود رهبر و پیشوایی آگاه، توانمند و دلسوز است تا با آشنایی کامل از اهداف، برنامه‌ها، زمینه‌ها و موانع، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت انقلابی را راهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد.

هم چنین بتواند فرمان‌روایی جهان را در دست گرفته و عدالت را در آن گسترش دهد. انقلاب عظیم مهدوی، به یقین دارای این شرط است. حضرت مهدی (عج) با توجه به مقام امامت‌شان، مسلماً شایستگی چنین منصبی را دارد و می‌تواند چنین مسئولیتی را بر عهده بگیرد.

سه. یاران ایثارگر و مجریان توانمند

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

شرط دیگر یک انقلاب وجود یارانی فداکار است که با آشنایی نسبت به برنامه ها و اهداف و اعتقاد به آنها تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست بر ندارند و آماده هر گونه فداکاری باشند.

قیام جهانی امام مهدی نیز نیاز به یارانی دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین تا آخرین لحظه فداکاری کنند. این جمعیت خالص و مخلص که اصحاب حضرت را تشکیل می دهند، نقش جدی و قابل توجهی در رهبری سپاه و فتح کشورها و اداره مناطق و سرزمین ها ایفا خواهند کرد.

امام جواد علیه السلام در این زمینه می فرماید: «اصحاب مهدی به سوی او اجتماع می کنند که سیصد و سیزده نفراند؛ به تعداد اهل بدر از نقاط مختلف زمین ...

وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می کند و چون عده کامل شد که ده هزار نفراند، به اذن خدا خروج می کند»^{۴۰}.

چه بسا این شرط هنوز تحقق نیافته و تعداد یاران آن حضرت - به خصوص اصحاب خاص - کامل نشده است تا قیام نیز صورت گیرد.

چهار. آمادگی عمومی و بالارفتن سطح رشد و فهم مردم

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی و قابلیت آنان است، اگر مردم آن را نخواهند، و شرایط فکری و روانی فراهم نباشد، آن قیام به سرانجام نمی رسد؛ چنان که نهضت الهی امام حسین علیه السلام به جهت عدم همراهی مردم در ظاهر شکست خورد و آن حضرت به شهادت رسید.

قیام حضرت مهدی (عج) نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم بشریت باشند. وجود این آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است؛ چرا که با وجود آن، حرکت اصلاحی حضرت به نتیجه خواهد رسید.

از میان چهار شرط یاد شده، دو شرط فراهم است و آن طرح و برنامه کامل برای اداره جهان و وجود رهبر شایسته و کارآمد است. اما شرط سوم و چهارم نیز لازم است فراهم شود و مردم آمادگی پذیرش انقلاب او را داشته باشند.

براین اساس می توان تفاوت های میان شرایط و علایم ظهور را چنین شمارش کرد:

۱. رابطه ظهور با شرایطش واقعی است. یعنی تا آنها نباشند ظهور هم اتفاقی نمی افتد حال آن که علایم، دلالت بر ظهور می کنند و از امکان و نزدیکی وقوع چنین حادثه عظیمی خبر می دهند.

۲. شرایط ظهور با هم ارتباط متقابل و واقعی دارند، حال آن که ارتباط خاصی میان نشانه‌های ظهور مشاهده نمی‌شود.

۳. شرایط ظهور همگی با هم باید در یک زمان محقق باشند حال آنکه علایم ظهور، به طور طبیعی طی ماه‌ها و سال‌ها و قرن‌ها رخ می‌دهند.

۴. شرایط ظهور باید مداومت داشته باشند و شرط بقای ظهورند، حال آنکه نشانه‌های ظهور در زمانی خاص رخ می‌دهند و نه لزوم و نه امکان دارد که آن شرایط در مدت زمانی طولانی واقع شوند و وقوع آنها ادامه یابد.

۵. شرایط ظهور تنها در زمان ظهور است که به حد اعلای خود می‌رسند؛ حال آن که تمامی نشانه‌ها به مرور پیش از ظهور رخ می‌دهند.

۶. همه شرایط ظهور باید متحقق باشند؛ با آنکه نشانه‌های ظهور لازم نیست که همه‌شان رخ‌بدهند و تنها حدوث علایم حتمی کافی است و بقیه به نزدیکی ظهور دلالت می‌کنند و اگر پیش از ظهور رخ‌بدهند، مشکلی در امر ظهور پیش نمی‌آید.^{۴۱}

پرسش ۸. به نظر شما امام زمان (عج) آمدنی است یا آوردنی؟

یکی از مطالب مهمی که در میان آیات نورانی قرآن بارها مورد تصریح قرار گرفته، مسئله «قانون‌های حاکم بر جهان هستی و تاریخ و جامعه» است.

طبق آیات فراوانی، تاریخ بشر و سرنوشت انسان‌ها در دایره نظام خاصی رقم می‌خورد به طوری که هر گونه دگرگونی و انقلابی، تابع یک سلسله قوانین مشخص و معینی است که از سوی خداوند، برای تدبیر جهان به اجرا درآمده است. در تعبیر قرآنی از آنها با عنوان «سنت‌های الهی» یاد شده است.

شاید بتوان یکی از این سنت‌ها را، «سنت دریافت پاداش به اندازه تلاش و کوشش» نامید. طبق این سنت، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، به میزان سعی و

تلاش آدمی بستگی دارد و این انسان است که در پرتو اختیار، با عمل، خویش یا جامعه را به پیش می‌برد و تاریخ را تکامل می‌بخشد و یا به خاطر سستی و عدم تلاش، قابلیت دریافت نعمت‌های الهی را از دست می‌دهد و در سرازیری سقوط قرار می‌گیرد.

قرآن درباره این سنت می‌فرماید: **وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ**^{۴۲}.

بنابراین اعطای نعمت‌های الهی - اعم از مادی یا معنوی - بسته به چگونگی تلاش و کوشش انسان است.

^{۴۱} (۱). تاریخ غیبت کبری، ص ۳۹۹-۳۹۶؛ شش ماه پایانی، ص ۲۲۳-۲۲۲.

^{۴۲} (۱). نجم (۵۳)، آیه ۴۰-۳۹.

جزوه پرسش و پاسخ‌های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

البته باید در نظر داشت که در کنار این سنت، قانون امداد رسانی و تأییدات غیبی خداوند - که در مواقع لزوم برای یاری انسان‌های پاک و مصلح به اجرا در می‌آید - تحت الشعاع واقع نمی‌شود؛ بلکه هر گاه انسان تا حدودی به وظایف خویش در قبال تکالیف الهی عمل کنند، آن سنت نیز به اجرا در خواهد آمد.

خداوند می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ**^{۴۳، ۴۴} براساس این آیه، مرحله فعلیت رسیدن به سنت حضرت و یاری مؤمنان مشروط به انجام دادن وظیفه از سوی آنان است.

با توجه به این مقدمه، روشن می‌شود که حضرت مهدی هم آمدنی است و هم آوردنی، یعنی باید مردم - یا حداقل یکتاپرستان و مؤمنان - به وظایف خود عمل کنند و آماده ظهور آن حضرت بوده و زمینه را برای قیام فراهم سازند.

هم چنین بستری فراهم سازند که مردم جهان، نوعی آمادگی ذهنی و درخواست قلبی برای ظهور منجی آسمانی داشته باشند.

از طرفی خداوند متعال با توجه به اوضاع و شرایط جامعه و مناسب بودن زمینه‌ها و بسترها و براساس نیاز جامعه جهانی، هر وقت اراده کند، اذن قیام را صادر خواهد کرد. از این لحاظ امام مهدی آمدنی است و ممکن است براساس اراده الهی، و با توجه به نیاز شدید بشر، منتظر بعضی از زمینه‌ها و شرایط نباشد.

اما آنچه در این جا اهمیت دارد، اراده و اختیار انسان‌ها است. زیرا بخشی از مقدمات در اختیار انسان‌ها نهاده و از آنان خواسته شده است در این جهت گام بردارند و هرگز سستی و کاهلی از خود نشان ندهند. در واقع براساس فلسفه متعالی تاریخ (نگرش دینی به آینده جهان) آینده بشر، جبری و الزامی نیست؛ بلکه منوط به اراده و خواست انسان‌ها است و تا این خواست همگانی صورت نگیرد، احتمال ظهور کم‌رنگ‌تر می‌شود.

اما در نظر فیلسوفان تاریخ و نحله‌های مختلف فکری (مانند هگل، مارکس، کانت و ...) آینده تاریخ جبری است و اختیار انسان‌ها در شکل‌گیری مقصد و مسیر تاریخ تأثیر چندانی ندارد^{۴۵}.

براساس سنت‌های الهی نیز سرنوشت هر جامعه‌ای بسته به رویکرد و اراده آن جامعه دارد، بدین معنا که اراده جمعی مردم سبب پدید آمدن زمینه‌ها و بسترهایی می‌شود و بر این اساس است که در بعضی از روایات اشاره به زمینه‌سازان شده است که باعث آمدن امام مهدی (عج) می‌شوند: **«يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ»**؛ «از مشرق زمین مردمانی خروج می‌کنند و زمینه‌ساز حاکمیت مهدی موعود می‌گردند»^{۴۶}.

^{۴۳} (۲). محمد (۴۷)، آیه ۷.

^{۴۴} (۳). فصلنامه انتظار، ش ۷، ص ۲۳۲.

^{۴۵} (۱). ر. ک: نگارنده، آینده جهان، ص ۴۵ - ۳۴.

^{۴۶} (۲). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷ (از رسول گرامی اسلام).

پرسش ۹. چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد هستند و تنها عده محدودی زن در بین آنان حضور دارند؟ این عده کم، چه کاری می‌توانند انجام دهند؟!

نقش زنان در یاری حضرت

گفتنی است در مواردی که یاری کردن مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید حضور فعالانه‌تری داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او همخوانی، لذا وظیفه جهاد از دوش آنان برداشته شده است، مگر در زمان ضرورت.

در روایتی هم که به حضور سیزده زن اشاره شده بود، آمده که آنان همان گونه که همراه رسول خدا بودند فعالیت خواهند کرد. جالب این است که این بانوان، از جمله کسانی‌اند که از دنیا رفته‌اند و در زمان ظهور باز خواهند گشت و به فعالیت‌هایی چون مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.

طبری در دلائل الامامة از امام صادق علیه السلام نقل کرده که این سیزده زن عبارت‌اند از: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه، زبیده ام خالد، ام سعید حنفیه، ام خالد جهنیه و ...^{۴۷}.

بر این اساس یاری رساندن زنان به حضرت، تنها منحصر به جبهه جنگ و شهادت نیست، بلکه عرصه‌های مختلفی چون عرصه فرهنگ، تربیت، اجتماع،

و ... را نیز در بر می‌گیرد. حوزه‌هایی که در آنها میدان یاری برای زنان، حفظ کرامت زن باز است و قطعاً آنان در حکومت حضرت، می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند؛ به عنوان نمونه در زمان فعالیت دجال، عده‌ای از زنان به یاری او می‌شتابند و او را تبلیغ می‌کنند؛ اما در مقابل بانوان مسلمانی قرار دارند که بر ضد دجال فعالیت دارند.

ابوسعید خدری می‌گوید: «هر جا دجال قصد می‌کند به آنجا برود، زنی به نام لئیه (طیثه)، پیش از او خود را به آنجا می‌رساند و می‌گوید دجال به سوی شما می‌آید، از او دوری جوید و از عاقبت کارش برحذر باشید»^{۴۸}.

پرسش ۱۰. آیا یاران اصلی امام زمان (عج) عصاره تاریخ‌اند و از میان این همه انسان‌های صالح و اولیای الهی انتخاب آنان چگونه صورت می‌گیرد، یعنی آنها دارای چه ویژگی‌های می‌باشند که به این مقام برگزیده شده‌اند؟!

انقلابی بزرگ و جهانی، نیازمند رهبران و مدیرانی لایق، کارگشته، وارسته و پرتوان است که هم پیروزی‌اش تأمین گردد و هم اهداف و برنامه‌های فراگیر آن تحقق یابد. بستر زمان و تاریخ، دروازه ورودی انسان‌ها به دانشگاه مهدوی

^{۴۷} (۱). دلائل الامامة، ص ۳۱۴.

^{۴۸} (۱). کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲؛ فتن ابن حماء، ص ۱۵۱.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

است؛ دانشگاهی که در آن ملیت و قومیت، مذهب، نژاد، مقطع زمانی و ... مطرح نیست؛ بلکه فراملی، قومی، نژادی و انسانی است. براین اساس قیام مهدوی، به حدی گسترده و فراگیر است که در قلمرو آن، همه ملیت ها و گروه ها- از گذشته تا حال و آینده- حضور دارند و حتی ملائکه الهی نیز در آن به ایفای نقش می پردازند.

پس از آنجایی که در میان یاران حضرت، پیامبران و اولیای الهی (چون عیسی، یوشع، خضر، اصحاب کهف و ...) و هم از اصحاب پیامبر اسلام و امیرمؤمنان علیه السلام (چون سلمان و مالک، ابوذر و ...) حضور دارند، می توان گفت آنان عصاره تاریخ خواهند بود. علاوه بر آن که خود حضرت مهدی (عج) ادامه دهنده راه همه پیامبران و اوصیا و دارنده همه سنن و مواریث آنان است؛ به طور طبیعی یارانش نیز دارنده این میراث گران بها خواهند بود.

البته در مجامع روایی بر ۳۱۳ یار خاص آن حضرت تاکیدات ویژه ای شده و اوصاف و خصلت هایی برای آنان شمارش شده است که نشان می دهد واقعاً آنان انسان های برتر، شایسته و برگزیده هستند و توان انجام این مأموریت بزرگ الهی را دارند.

اوصاف یاران در قرآن

در قرآن، آیاتی وجود دارد که ویژگی های برشمرده آنها را، می توان بر یاران خاص حضرت مهدی (عج) تطبیق داد و در بعضی از روایات نیز، بیان شده که این آیات در مورد مهدی (عج) و اصحابش باشد؛ از جمله می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^{۴۹}.

براساس این آیه خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت دین بر می انگیزد و اوصاف کسانی را که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، چنین شرح می دهد:

۱. آنان عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند. هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند.
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

۲. در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند. أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

۳. در برابر ستمکاران قدرتمند هستند. أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

۴. جهاد در راه خدا برنامه همیشگی آنهاست. يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۵. ثابت قدم بوده و از ملامت کنندگان باکی ندارند. وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ

در پایان می فرماید: «به دست آوردن این امتیازات (علاوه بر کوشش شخصی)، مرهون فضل الهی است که به هر کس شایسته باشد، داده می شود.

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

در روایتی از امام صادق علیه السلام اوصافی برای یاران حضرت مهدی بیان شده که با اوصاف مذکور در آیه هماهنگ است.^{۵۰}

به طور کلی می توان اوصاف، و ویژگی های یاران خاص حضرت را در روایات چنین شمارش کرد.

اوصاف یاران در حدیث

۱. شناخت عمیق نسبت به خدا؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «در قلوب آنان (یاران مهدی)، نسبت به ذات خدا شکی نیست»^{۵۱}.

و «آنان به وحدانیت خداوند آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند»^{۵۲}.

۲. معرفت امام زمان (عج)؛ امام سجاد علیه السلام می فرماید: «آنان کسانی اند که به امامت مهدی (عج) اعتقاد دارند»^{۵۳}.

۳. اخلاص؛ امام جواد علیه السلام فرمود: «هنگامی که برای مهدی، ۳۱۳ تن از اهل اخلاص جمع شد، خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد»^{۵۴}.

۴. اطاعت و فرمانبری؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «اطاعت آنان از امام، بیشتر از فرمانبری کنیز در برابر مولایش است»^{۵۵}.

۵. استقامت؛ آن حضرت هم چنین فرمود: «... گویا قلب های آنان مانند تکه های آهن است ... محکم تر از سنگ است»^{۵۶}.

۶. جان نثاری؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «آنان پروانه وار شمع وجود امام را در میان گرفته و او را با جانشان محافظت می کنند (یحفون به)»^{۵۷}.

^{۵۰} (۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

^{۵۱} (۲) همان، ص ۳۱۷.

^{۵۲} (۳) بشاره الاسلام، ص ۲۲۰.

^{۵۳} (۴) کمال الدین، ج ۱، باب ۳۱، ح ۲.

^{۵۴} (۱) همان، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۷۷.

^{۵۵} (۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

^{۵۶} (۳) همان، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۷. برخورداری از تأییدات الهی؛ امام علی علیه السلام فرمود: «... خداوند مردی (مهدی) را در آخرالزمان می‌انگیزاند ... او را به ملائکه‌اش تأیید کرده و انصارش را حفظ خواهد نمود»^{۵۸}.

۸. شهادت‌طلبی؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «یاران مهدی، آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند»^{۵۹}.

۹. صبر و بردباری؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یاران مهدی، گروهی‌اند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر او منت نمی‌گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و تکبر نمی‌کنند»^{۶۰}.

۱۰. شیران روز و زاهدان شب؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا من نظر می‌کنم به قائم و اصحاب او در نجف و کوفه، سجده‌ها به پیشانی‌های آنها اثر گذاشته است؛ شیران در روز و راهبان در شب‌اند ...»^{۶۱}.

۱۱. همدلی؛ امام علی علیه السلام فرمود: «ایشان یکدل و هماهنگ هستند»^{۶۲}.

۱۲. خواستار برکت؛ از امام صادق علیه السلام آمده است: «آنان بر فراز اسب‌های خود دست بر زین امام می‌کشند و تبرک می‌جویند»^{۶۳}.

۱۳. عبادت الهی؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «در دل شب، از خشیت خداوند، ناله‌هایی دارند مانند ناله مادران پسر مرده» و «شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند»^{۶۴}.

۱۴. شجاعت؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همه شیرانی‌اند که از بیشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند کوه‌ها را از جا بر می‌کنند»^{۶۵}.

۱۵. علم و بصیرت؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «پس گروهی در آن فتنه‌ها صیقلی می‌شوند، مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را. دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش‌هایشان جا گرفته است. در شب جام حکمت را به آنها می‌نوشانند، بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند»^{۶۶}.

۱۶. حق‌یابوری؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به وسیله آنها، امام حق را یاری می‌کند»^{۶۷}.

^{۵۷} (۴). همان، ص ۳۰۸.

^{۵۸} (۵). همان، ص ۲۸۰، ح ۶.

^{۵۹} (۶). همان، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

^{۶۰} (۷). يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

^{۶۱} (۱). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

^{۶۲} (۲). يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

^{۶۳} (۳). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

^{۶۴} (۴). يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

^{۶۵} (۵). همان.

^{۶۶} (۶). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

^{۶۷} (۷). همان، ص ۳۰۸.

۱۷. حکمت نورانی؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «گویی دل های آنان مشعل نورانی است (کان قلوبهم القنادیل)»^{۶۸}.

با توجه به این روایات، روشن می شود که یاران حضرت مهدی (عج)، دارای چنان ویژگی ها و اوصاف برتر و کم نظیری هستند که به حق در این مقام و موقعیت قرار گرفته اند و بدین جهت نقش مهمی در پیروزی آن قیام جهانی خواهند داشت.

دوران ظهور امام زمان (عج)

رشد عقلی در عصر ظهور

پرسش ۱۱. اینکه در حدیث می فرماید: «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاق شان را کامل می کند» یعنی چه؟ منظور از دست گذاشتن بر سر بندگان خدا به چه معناست؟

این روایت از امام باقر علیه السلام در کتاب الخرائج و الجرائج راوندی و بحارالانوار نقل شده است که آن حضرت می فرماید:

«إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم»^{۶۹}.

براساس این روایت، عقول و افکار مردم متمرکز و شکوفا و اخلاق آنان کامل می شود.

در تبیین این کلام شگفت انگیز، باید گفت: منظور این نیست که حضرت مهدی (عج) بر سر تک تک انسان ها دست می کشد و پس از آن عقول مردم کامل می شود، هر چند آن حضرت به یقین از ولایت تکوینی خود استفاده کاملی می کند و با نفوذ در دل و جان و عقل مردم و هدایت های پیامبر گونه خود، آنان را هدایت و راهنمایی می کند. مقصود از «دست» در این روایت،

دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است. کلمه «ید» به معنای «دست» در زبان عربی، مفاهیم و مصداق های گوناگونی دارد. یکی از معانی ید، «نعمت و رحمت» است^{۷۰}.

در این صورت معنا چنین می شود: «در زمان ظهور حضرت مهدی با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفای عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می شود و همه آنان هدایت می یابند و به سر منزل مقصود (کمال) می رسند.

خداوند در قرآن کریم در مورد یکی از حکمت های نبوت می فرماید:

^{۶۸} (۱). همان.

^{۶۹} (۱). الخرائج و الجرائج، ج ۲، ص ۸۴۱، ح ۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱.

^{۷۰} (۱). مفردات راغب، ص ۸۸۹.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{۷۱}؛ «پیامبر، زنجیرها و مشقت ها (جهالت و هواپرستی) را از آنها (مردم) بر می دارد».

در این جا منظور از زنجیر و مشقت بندها و زنجیرهای مادی نیست؛ بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم با هدایت ها و تلاش های فراوان فرهنگی، آن را از انسان ها برطرف ساخت. در عین حال از هدایت های تکوینی ویژه نیز استفاده کرد و در دل و جان مردم مشرک و فاسد نفوذ معنوی داشت و تأثیرات عمیقی بر آنان گذاشت.

در عصر ظهور امام زمان نیز، تمام موانع و آفت های رشد و تعالی عقلانی انسان ها از بین می رود و عقول آنان به حد بالایی از شکوفایی و رشد

نایل می گردد. در این جا حضرت مهدی ادامه دهنده راه پیامبران و تکمیل کننده برنامه های آنان - به خصوص پیامبر اسلام - است.

این موضوع از مهم ترین برنامه ها و اقدام های امام علیه السلام است. او از حقایق گسترده و جهانی برای بشریت پرده بر می دارد و مردمان را به دانش های یقینی و درست هدایت می کند و شناخت های ناب و خالص به ارمغان می آورد. از این رهگذر دو محور اساسی تحقق می پذیرد:

۱. با گسترش شناخت و کشف اسرار کائنات، پایه های خداشناسی استوار می گردد.

۲. گسترش شناخت و دانایی، تشکیل جامعه مطلوب انسانی را ممکن می سازد، زیرا در پرتو شناخت درست مسائل حیات و بخش های گوناگون آن، مسائل تربیت، رشد و تکامل معنوی و مادی و آغاز و انجام کار انسان، شیوه ها و روش های اداره زندگی، تأمین و تنظیم خانواده و ... بخش های زندگی در همه ابعاد به شایستگی اداره می شود و سامانی در خور می یابد. در پرتو علم و آگاهی از مسائل مادی و فیزیکی جهان، زیست این دنیای انسان بهبود می یابد و با شناخت مسائل معنوی و صلاح و سعادت روح انسانی، راه تکامل معنوی گشوده می شود و جامعه آرمانی، در بعد مادی و معنوی (رشد فکری و اخلاقی)، پدیدار می گردد.

این شناخت ها، همه در روزگار رستاخیز امام مهدی (عج) تحقق می یابد و نقطه های ابهام و تردید و سرگردانی محو می شود و به راه ها و روش های متعالی تر و بالاتری دست می یابد و شیوه های بهتری را در پیش می گیرد.

بدین سان هر روز او و هر گام او، در همه مسائل حیات و ابعاد زندگی، گامی به پیش است و واپس گرایی و تکرار در آن راه ندارد و بدین گونه

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویان موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

اهریمن جهل و نادانی و فساد طغیان، به سر پنجه توانای خداوند، از زندگی انسان بیرون رانده می شود جای آن را آگاهی، دانایی و روشنی و نور فرامی گیرد.

چنان که در روایتی آمده است: «یملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً و برهاناً...»^{۷۲}؛ «مهدی) زمین را از عدل و نور و برهان آکنده می سازد».

و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «نهمین (امام از فرزندان حسین) قائم است که خداوند به دست او، سرزمین تاریک (زندگی) را نورانی و روشن می کند و از عدل آکنده می سازد؛ پس از (دوران) ظلم، علم و دانایی را فراگیر می کند، پس از (دوران) جهل و نادانی...»^{۷۳}.

بدین سان به دست امام زمان (عج) و با اذن و قدرت الهی، همه جامعه ها و انسان ها، از تاریکی نادانی، ظلم و فساد به روشنایی و نور دانایی، تقوا و اخلاق فاضله رهنمون می گردند.

براین اساس دولت امام مهدی (عج)، تأمین معنویت، عقلانیت و عدالت را بر عهده دارد تا جامعه به سمت تعالی و تکامل، تعادل و پیشرفت سوق داده شود و این به ابزار و روش های مختلفی نیاز دارد.

مهم ترین آنها دعوت، راهنمایی و نصیحت است؛ هر چند معجزه و عنایت الهی نیز در میان خواهد بود و امام علیه السلام از ولایت تکوینی نیز بهره خواهد گرفت.

پرسش ۱۲. تعالی و کمال انسان از شاهراه سختی ها، بلایا، فقر، نعمت و محیط فاسد می گذرد حال آن که در حکومت حضرت از این مسائل نشانه ای نیست؟

باید توجه داشت سختی و فقر و گرفتاری ها و ... وسیله ای هستند، برای پیشرفت و رشد انسان البته آن هم به شرطی که انسان به خوبی از آنها بهره برداری کند. برخی بر اثر سختی و فقر نه تنها رشد نکرده اند؛ بلکه عقب گرد داشته و گاه از دین خارج شده اند! پس این مجموعه وسیله شدن به کمالند، نه این که خود هدف و کمال باشند.

اما این که در دوران امام زمان (عج) هیچ گونه سختی، بلا و مشکل وجود نداشته باشد، فرض درستی نیست. جهاد پیگیر، تشکیل حکومت، رسیدگی به کارهای مردم و ... همه و همه در آن دوران هم وجود دارد. بنابراین این گونه نیست که در آن دوران راحتی مطلق باشد و ناز نعمت و بخور و بخواب به حدی است که انسان از رشد ایمانی، و شکوفایی عمل باز ماند! بلکه عدالت جهانی و فراگیر وجود دارد، تبعیض ها از بین می رود. امنیت در تمام ابعادش (فردی، اجتماعی، اقتصاد سیاسی و ...) بر جامعه حاکم می شود، اما سختی نیز هست، چرا که متدینان و همراهان حضرت مهدی (عج) باید او را در اداره جهان آن هم با عدالت فراگیر، یاری کنند. قطعاً در اداره جهانی به این گستردگی و وسعت مشکلات و ... همه با معجزه حل نمی شود.

^{۷۲} (۱). احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۱؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۲۷، ح ۲۶.

^{۷۳} (۲). کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

در رابطه با کمال انسان راه های بدیلی وجود دارد و مسئله مهم آن است که در هر شرایط از عوامل با دلیل استفاده کند. راه تکامل گاه از گردنه های سخت و دشوار بلاها و مصایب عبور می کند و گاه از دشت هموار نعمت ها، اما هیچ یک

از این دو خود به خود رساننده به کمال نیستند. مهم آن است که در گاه سختی و نعمت انسان چگونه با آنها برخورد کند و در راه کمال آن را به کار گیرد.

آنچه در زمان استقرار حکومت امام مهدی (عج) رخ می دهد، شرایطی هموار است که انسان ها در پناه آن می توانند با افزایش معرفت به اصلاح اخلاق و تهذیب نفس خویش، مدارج کمال و سیر الی الله را با سهولت بیشتری نسبت به شرایط پیشین طی کنند.

عدالت در عصر ظهور

پرسش ۱۳. عدالت در عصر ظهور چگونه و با چه ابعادی محقق می شود و چرا عدالت موعود در زمان امام مهدی (عج)، در عصر اسلام برقرار نشد؟

چگونگی تحقق عدالت در عصر ظهور نیز بحثی بسیار مهم و در خور توجه است. حضرت مهدی (عج) با ابزار و شیوه های مختلفی عدالت فراگیر را محقق می سازد. خداوند متعال، از این ابزار سخن می گوید. اولین اقدام و راه تمامی پیامبران برای ایجاد قسط و عدل، کار فرهنگی و روشنگری است. **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ**. امام مهدی (عج) نیز با اقدامات گسترده فرهنگی و تربیتی، به رشد فکری و اخلاقی جامعه دست می زند و جامعه مرده را احیا می کند. آن گاه قرآن با توجه به اهمیت قانون عدل، از کتاب و میزان سخن به میان می آورد. **وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ**. حضرت مهدی (عج) به یقین به کمک آموزه های متعالی قرآن و دستورات عدالت محور اسلام، به اداره حکومت جهانی می پردازد و با قوانین و سیره عادلانه، جهان را آکنده از عدل و داد می کند. در مرحله سوم، از قدرت سلاح و نیروی نظامی با تعبیر **وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ**^{۷۴} یاد کرده است.

امام در این مرحله با شدت تمام به مقابله ستمگران و بیدادگری می پردازد و ریشه ظلم و ستم را بر می اندازد.

امام باقر علیه السلام با توجه به اهمیت سه عنصر فوق برای ایجاد عدالت می فرماید:

«امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست، از ما است»^{۷۵}.

^{۷۴} (۱). حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

^{۷۵} (۲). چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۷۸.

در این روایت، از اجرای عدالت بحث شده است؛ زیرا پیشوایی می تواند به طور کامل قسط و عدل را در جامعه اجرا و جامعه را به سوی کمال رهبری کند که سه نیروی دانش، قانون و قدرت را داشته باشد^{۷۶} (آن هم با عدالت و دادگری).

باید دانست که تفاوت عمده میان مکتب اسلام با سایر مکاتب در این جهت (عدالت) این است که اسلام، معنویت را پایه و اساس عدالت می شمارد.

حساسیتی که اسلام در زمینه عدالت و ترکیب آن با معنویت اسلامی از خود نشان می دهد در هیچ مکتب دیگری نظیر و مانند ندارد^{۷۷}.

چرایی عدم تحقق عدالت

براساس سنت الهی، هر یک از انبیاء و اولیاء با ویژگی های خاص خود با مأموریتی ویژه در زمینه اجتماعی منحصر به فرد خود، حضور یافته و به هدایت مردم پرداخته اند. اینان براساس منطقی معین و مقصدی واحد، هدایت گر مردمی بوده اند که در سیستم های اجتماعی گوناگون می زیسته اند و همه علی رغم تفاوت های ظاهری، رسالتی واحد داشته اند. منتها در برابر حوادث گوناگون،

برخوردهای متفاوتی داشته و راه کارهای متنوعی برای نجات بشریت معرفی کرده اند. بنابراین تفاوتی میان حکومت و سیره انبیاء و اولیای الهی وجود ندارد.

یکی از اغراض اصلی بعث انبیا، تشکیل جامعه ایده آل براساس خداپرستی و ارزش های الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده و هر کدام در حد امکان قدمی در این راه برداشته اند و بعضی از آنها توانسته اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی حکومت الهی را برقرار سازند، ولی برای هیچ یک از ایشان شرایط حکومت عدل جهانی، فراهم نگشت. البته فراهم نشدن چنین شرایطی به معنای نارسایی تعالیم و برنامه های انبیاء و یا نقص مدیریت و رهبری ایشان نبوده و نیز به معنای تحقق نیافتن هدف الهی از بعثت ایشان نمی باشد زیرا هدف الهی فراهم شدن زمینه و شرایط برای سیر و حرکت اختیاری انسان ها است.

لَيْتَلَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ^{۷۸} نه الزام و اجبار مردم بر پذیرفتن این حق و پیروی از رهبران الهی و این هدف تا این اندازه تحقق یافته است. اما در عین حال خداوند متعال وعده تحقق حکومت الهی را در تمامی کره زمین داده است که می توان آن را نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش حق در سطح وسیعی از جامعه انسانی به حساب آورد که با استفاده از افراد و گروه های بسیار ممتاز و مدد های غیبی الهی، موانع تشکیل حکومت جهانی از سر راه برداشته شده عدل و داد به نفع توده های ستمدیده مردم- که از بیداد ستمگران به ستوه آمده و از

^{۷۶} (۳). ر. ک: فصلنامه انتظار، ش ۱۴، ص ۸۲ و ۸۳.

^{۷۷} (۴). ر. ک: شهید مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۵۳.

^{۷۸} (۱). نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

همه مکتب ها و رژیم ها ناامید شده اند - گسترش خواهد یافت. اما این شرایط نه در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاصل بود و نه در زمان ائمه دیگر و نه حتی اکنون. در عصر رسول اکرم، ایشان نهایت

تلاش شان این بود که دین تازه را تبیین و ارکان آن را تقویم بخشند. علاوه بر آن که مخالفت مخالفان نگذاشت حتی الگوی مدینه النبی فراتر از این شهر رفته و عدالت حتی در جزیره العرب مستقر گردد، چه رسد به ممالک دیگر و همه کره زمین.

بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز علاوه بر آن که تلاش ایشان در بدنه حکومت تداوم نیافت تا شرایط تبلیغ اسلام در سرزمین های گسترده ای فراهم آید، بلکه حکومت از مجرای حق خود خارج گشت و نابسامانی های فراوانی در ممالک اسلامی پدیدار شد که نمی توان در این مجال اندک حتی آنها را شمارش کرد. حضرت علی علیه السلام نیز که بالاجبار مسئولیت حکومت را پذیرفت، چنان با مشکلات داخلی و تحریفات و تبعیضات و انحرافات مواجه شد که در دوران حکومت چند ساله اندک خود نتوانست آن طور که خود می خواست عدالت را در محدوده قلمرو مرکز حکومت خود محقق سازند، چه رسد به ممالک دیگر!! در واقع امام علی علیه السلام پس از ۲۵ سال با جامعه ای مواجه شد که در آن، عامه مردم مشتاق احیای تمدن نبوی بوده و او را به مثابه رهنمایی مسیر بازگشت به دوران درخشان گذشته برگزیدند؛ اما طبقات نخبگان و هیئت ها و مسائل گوناگون، مسیرهای متفاوت و گاهی بسیار منحرف را در پیش پای عامه مردم می گذاشتند.

اهتمام به احیای جامعه عدل در چنین وضعیتی، بدون برخورداری از قدرت نظیر و قاطع وحی و همزیستی با مردمی که کورکورانه از رؤسای مزدور قبایل خود تبعیت می کنند و در جست و جوی حق، به باطل دست می یابند و در جهل مرکب غوطه ور می گردند، برای امامی که جز هدایت مردم دغدغه ای برای حاکمیت ندارد، شرایطی طاقت فرسا ایجاد می کند!! وضعیت در دوران سایر ائمه نیز روشن است و آنان در موقعیتی قرار گرفتند که جامعه پذیرای عدالت واقعی نبود.

اما وضعیت در عصر ظهور مهدی بسیار متفاوت از گذشته خواهد بود و حکومت

در دست صالحان و حق طلبان قرار خواهد گرفت و مردم همراهی لازم را با حکومت جهانی خواهند داشت.

به قول یکی از نویسندگان: «آنچه مسلم است، شهر عدل موعود، شهر عدالت پایدار است؛ شهر بلوغ یافتگان، شهر مردمی که حق را می جویند و باطل را وا می گذارند. مردمی که بر ارزش حیات در این مدینه وقوف یافته اند. مردمی که از پیروی چپ و راست به ستوه آمده اند و دیگر در زیر پرچمی به جز بیرق حق گرد هم نمی آیند! امیدشان فقط و فقط تحقق امر خداوند است؛ خلافت در شهری زیبا و مقید به اصول عقلانی شهر پایداری و جاودانگی جامعه عدل را ضمانت می کند. شهری که در آن رفتار عامه مردم، منطبق با رفتار امام آنها است.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجوئی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

مردمی که امام خود را به درستی می شناسند و چون او رفتار می کنند. آنان همراه و هم گام با امام خویش، خلافت زمین را جملگی به ارث می برند و کمترین امتیاز طبقاتی میان آنان رایج نیست...»^{۷۹}.

دین جدید در عصر ظهور

پرسش ۱۴. آیا درست است که با ظهور امام زمان (عج)، دین جدیدی آورده می شود؟!

از آنچه که ما در بعضی روایات می بینیم آمده است:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إذا خرج القائم یاتی بامر جدید و کتاب جدید و سنه جدید و قضاء جدید»^{۸۰}؛ «هنگامی که قائم ظهور می کند، فرمان نو، کتاب نو، روش نو و دادگاه (قضای) نو می آورد».

در حدیث دیگری نیز آمده است: «إذا قام القائم جاء بامر جدید كما دعا رسول الله فی بدو الاسلام الی امر جدید»^{۸۱}؛ «هنگامی که قائم قیام می کند، امری جدید می آورد، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد».

حال ممکن است این پرسش به میان آید که منظور از امر، کتاب، روش و قضای جدید و نو چیست؟ آیا چیزی غیر از؛ کتاب و قضای فعلی می آورد؟!

در پاسخ گفتنی است: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی یک دگرگونی اساسی است، نه روبنایی. از این رو جامعه خیال می کند، چیز جدیدی غیر از آیین فعلی است؛ در حالی که اسلام واقعی را بیان می کند.

مشکلات کاستی هایی که در عصر حاضر و قبل از ظهور دیده می شود، عبارت است از:

۱. احکام و معارف و فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، در گذشته به عللی (مانند پایین بودن سطح فرهنگ مردم و یا نبود زمینه آن) بیان نشده است.

۲. تعالیم و احکامی از قرآن و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است و برای مسلمانان ناآشنا است.

۳. اصول و احکام فراوانی دچار تحریف و دگرگونی معنوی یا موضوعی گشته است.

این تحریفات، توجیه ها، تاویل ها، انحراف ها و پیرایه ها بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید می کند و ساخته های ذهنی مدعیان دین به عنوان باورهای دینی ترویج می شود!!

^{۷۹} (۱) ر. ک: ششمین گفتمان مهدویت، ص ۱۵۷.

^{۸۰} (۲) اثبات الهداة، ج ۳، ص ۸۳؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۳۵، ح ۲۲.

^{۸۱} (۱) ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ح ۲، ص ۴۶۵.

۴. بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم بیان می‌شود که روح اسلام ناب از آنها بی‌خبر است!!

این پیرایه‌ها و بدعت‌ها، اسلام را طوری کرده که اگر امام آنها را از اسلام بزداید و حقیقت دین محمدی را آشکار سازد، مردم عوام خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است، نه اسلام! در صورتی که اسلام واقعی همین است و امام آموزه‌های دین را مطابق اسلام اصیل مطرح می‌کند. او بدعت‌ها را باطل می‌کند و احکام خدا را همان گونه که صادر شده، ظاهر می‌نماید و حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می‌کند، از این رو است که چنین برنامه‌ای برای مردم تازگی دارد. البته آنچه که او می‌آورد، همان است که حضرت رسول الله و اهل بیت پیامبر بیان کرده‌اند و شیعه نیز آنها را از طریق عترت معصومین دریافت کرده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیه و یتأنف الاسلام جدید»^{۸۲}؛ «(مهدی) بر طبق شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند و آنچه از نشانه‌های گذشته باشد، از میان می‌برد، همان گونه که پیامبر نشانه‌های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن ساختن بدعت‌ها، اسلام را از نو پیاده می‌کند».

هم چنین آمده است: «لایترک بدعه الا ازالها و لا سنه الا اقامها»؛ «هیچ بدعتی نیست، مگر آن که (مهدی) آن را (از پیکر اسلام) می‌زداید و هیچ سنتی نیست، جز این که آن را بر پا می‌دارد»^{۸۳}.

درباره کتاب تازه نیز باید دانست که این مسئله، به معنای آوردن قرآن دیگر نیست، بلکه آن حضرت اهداف و برنامه‌های اصیل قرآن را بیان کرده و تفسیر واقعی آیات را بیان خواهد نمود: «لو قدقام قائمنا ... استأنف بکم تعلیم القرآن و

شرايع الدين و الاحکام و الفرائض کمال انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله»؛ «وقتی قائم ما به پا خیزد ... و سخنگوی ما سخن بگوید، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر نازل شده است از نوبه شما می‌آموزد»^{۸۴}.

پس این درست نیست آن حضرت دین جدیدی می‌آورد، بلکه او همه را به دین واقعی و سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک او دعوت می‌کند و حتی در قضاوت و حکم رانی نیز چنین عمل می‌کند؛ هر چند برای دیگران تازه باشد.

البته شکل حکومت آن حضرت (حکومت جهانی)، نحوه اداره جهان، تحقق برنامه‌ها و اهداف والای پیامبران و اولیا، بهبود کامل وضعیت مردم، گسترش توحید و یکتاپرستی در جهان، حاکمیت عدالت و قسط و انتخاب افراد بسیار شایسته و کاردان برای حکومت و ... بی‌نظیر و بی‌مانند است.

^{۸۲} (۱). الغیبة نعمانی، ص ۲۳۰، ج ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۸.

^{۸۳} (۲). وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۳۶؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۵.

^{۸۴} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶، ح ۶۲۸؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۷.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجوئی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

امام صادق علیه السلام می فرماید: «زمین با نور پروردگار روشن می شود و در زمین مکانی باقی نمی ماند که در آن غیر خدا عبادت شود ... و کنه دین برای خدا است، هر چند کافران را بد آید»^{۸۵}.

در حدیثی آمده است: «زندگان آرزو می کنند که مرده ها می دیدند عدل و اطمینان و خیر بسیاری را که خداوند به ساکنان زمین رساند»^{۸۶}.

و «خداوند به دست قائم زمین را زنده می کند ... زمین زنده می شود و مردم آن حیاتی نوین می یابند، بعد از مرگشان»^{۸۷}.

پیروان ادیان در عصر ظهور

پرسش ۱۵. آیا وقتی که امام زمان ظهور می کنند، تمام مردم مسلمان می شوند یا این که کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهد داشت؟

برای تشکیل جامعه واحد و فراگیری حکومت جهانی، یک موضوع ضروری است و آن جهان بینی واحد و اعتقاد واحد است. باید نگرش و جهان بینی واحدی بر جامعه حاکم باشد تا انسجام و وحدتی خلل ناپذیر در جامعه پدیدار گردد.

بر این اساس است که در دوران ظهور و روزگار دولت مهدوی، جهان بینی واحدی بر جهان حاکم و راه و روش و برنامه ها نیز یکی می گردد و یکپارچگی واقعی در عقیده و مرام پدید می آید و مردمان همه یکدل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می کنند. ناسازگاری و دوگانگی در اندیشه ها و عقیده ها نیست؛ چنان که در راه و روش های اجتماعی نیز اختلاف و چندگانگی دیده نمی شود.

امام صادق علیه السلام به صراحت به این مطلب اشاره فرموده است: «افواله لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یكون الدین کله واحدا کما قال جل ذکره ان الدین عندالله الاسلام»؛ «به خدا قسم! ... ناهماهنگی و اختلاف مذاهب و ادیان از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند؛ چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده است: به راستی دین در نزد خدا، اسلام است»^{۸۸}.

امام مهدی (عج) با این اصل اساسی و زیربنایی (وحدت عقیده) در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی مانند دست می یابد و همه علل و

^{۸۵} (۲). کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۵.

^{۸۶} (۳). بشاره المصطفی، ص ۲۵۰؛ آثار الصادقین، ج ۲۹، ص ۲۶۸.

^{۸۷} (۴). بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۲۵.

^{۸۸} (۱). بشاره الاسلام، ص ۲۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

عوامل ناسازگاری و برخورد و اختلاف را نفی می کند. راه و روش او، بر قانون جاودان حق و عدل و یکتا پرستی استوار و با فطرت و سرشت انسان ها، هماهنگ و سازگار می باشد. او وحدتی واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می ریزد و همه انسان ها را در زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می آورد^{۸۹}.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «تمام خیر در این روزگار است؛ در آن زمان قائم ما قیام می کند و همه را بر (محور) یک مرام و یک عقیده گرد می آورد (ثم یجمعهم علی امر واحد)»^{۹۰}.

با این حال ممکن است گفته شود: براساس بعضی از آیات و روایات، یهود و نصارا از بین نمی روند و تا قیامت باقی هستند؛ پس این اسلام نمی تواند فراگیر شود؟!

در این رابطه باید گفت که ما با سه دسته از آیات و روایات رو به رو هستیم؛

۱. دسته اول آیات و روایاتی است که ظاهر آنها، وجود غیرمسلمانان در دوران حکومت حضرت است؛ مانند:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ ... وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۹۱}؛ یهود گفته دست خدا بسته است ... (پس) کینه و دشمنی را تا قیامت میان آنان افکندیم.

مشابه این آیه درباره مسیحیت نیز آمده است:

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ^{۹۲}.

در این آیات، دشمنی و کینه توزی تا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شده و نیز برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمده است^{۹۳}. و مقتضای ظاهر آیات این است که دین یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند.

از بعضی از روایات نیز همین مضمون استفاده می شود: «ابی بصیر می گوید:

که به امام صادق علیه السلام گفتم: در دوره حضرت مهدی (عج) با اهل ذمه (یهود و نصارا) چگونه رفتار می شود؟ فرمود: «با آنان از سرآشتی و مسالمت رفتار می کند؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان از سر مسالمت رفتار کرد (یسالمهم کم سالمهم رسول الله)»^{۹۴}. به هر حال از ظاهر اینها به دست می آید که یهود و نصارا نیز در عصر ظهور وجود دارند و تحت حکومت حضرت مهدی (عج) زندگی می کنند.

^{۸۹} (۱). ر. ک: عصر زندگی، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

^{۹۰} (۲). الغیبة نعمانی، ص ۲۰۶.

^{۹۱} (۳). مائده (۵)، آیه ۶۴.

^{۹۲} (۴). همان، آیه ۱۴.

^{۹۳} (۱). آل عمران (۳)، آیه ۵۵: «جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فُوقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

^{۹۴} (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

۲. دسته دوم روایاتی است که اشاره دارد امام (عج) در همه جا دین اسلام را برپا خواهند کرد و همه مردم مسلمان خواهند شد. هیچ خانه‌ای در شهر و بیابان نمی‌ماند مگر این که توحید در آن نفوذ می‌کند. اسلام به صورت یک آیین رسمی، همه جهان را فرا خواهد گرفت. حکومت به صورت یک حکومت اسلامی در می‌آید و غیر از قوانین اسلام، چیزی بر جهان حکومت نخواهد داشت. در این زمینه به چند روایت اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی قائم ما قیام کند. اهل هیچ دینی باقی نمی‌ماند مگر این که اظهار اسلام می‌کنند و با ایمان مشهور و معروف می‌گردند»^{۹۵}.

«تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، دین اسلام نفوذ خواهد کرد (لیدخلن

هذا الدین ما دخل علیه اللیل)»^{۹۶}.

در آن عصر، شرک و کفر و پلیدی رخت برمی‌بند و آموزه‌های متعالی اسلام به همه جای جهان ابلاغ خواهد شد: «بی‌تردید آیین محمد صلی الله علیه و آله به هر نقطه‌ای که شب و روز می‌رسد، خواهد رسید و دیگر اثری از شرک روی زمین نمی‌ماند (لیبلغن دین محمد ما بلغ اللیل و النهار)»^{۹۷}.

در آن عصر دین برتر و مسلط اسلام خواهد بود و یهودیان، مسیحیان و ...

همه آن را خواهند پذیرفت: «به درستی خداوند هنگام قیام قائم (عج) اسلام را بر تمامی ادیان برتری خواهد داد»^{۹۸}.

و نیز «هیچ یهودی و مسیحی و صاحب دینی باقی نمی‌ماند، مگر این که داخل اسلام شده باشد (لایبقی یهودی و لانصرانی و لاصحاب مله آلا دخل فی الاسلام)»^{۹۹}.

امام علیه السلام چندگانگی و اختلافات دینی را بر طرف می‌کند و وحدت عقیدتی در سایه اسلام به وجود می‌آورد:

«یرفع المذاهب فلا یبقی آلا الدین الخالص»^{۱۰۰}؛ «همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می‌شود و جز دین خالص باقی می‌ماند».

۳. بر اساس دسته سوم روایات، امام مهدی (عج) ابتدا همگان را به دین اسلام دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که همگان با رغبت و بصیرت، آن را بپذیرند و در صورت سرپیچی و باقی ماندن در کفر و ضلالت، برخورد شدیدی با آنان می‌کند.

^{۹۵} (۳). ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۵.

^{۹۶} (۱). منتخب الاثر، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

^{۹۷} (۲). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

^{۹۸} (۳). کافی، ج ۱، ص ۴۳۳؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۵۰۸.

^{۹۹} (۴). منتخب الاثر، ص ۳۹۳، ج ۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۱، ح ۵۹.

^{۱۰۰} (۵). یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۴۹؛ بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا ...^{۱۰۱} فرمود: «آیه مذکور در شأن

حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شد، دین اسلام را بر یهود، نصارا، صائبین و کفار شرق و غرب عرضه می دارد، پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می کند و هر کس از قبول اسلام امتناع ورزد، گردنش را می زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند»^{۱۰۲}.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «... خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می کند؛ آن قدری می جنگد تا این که جز دین محمد، دینی باقی نماند»^{۱۰۳}.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی که قائم قیام کند، هیچ کافر و مشرکی پیدا نمی شود، مگر این که قیام او را انکار کرده و ناپسند می شمرد، ولی کار به جایی می رسد که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت پنهان شده باشند، آن سنگ می گوید: ای مؤمن در شکم من کافر است، مرا بشکن و او را بکش»^{۱۰۴}.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «قائم (عج) هر منافق شکاکی را به قتل می رساند»^{۱۰۵}.

با توجه به این احادیث، همه مردم جهان، اسلام را می پذیرند و البته عموم آنان با علاقه و رغبت مسلمان می شوند و منافقان و کافران نیز با الزام حکومتی، اسلام را می پذیرند؛ قرآن نیز به این مطلب اشاره فرموده است:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^{۱۰۶}.

جمع بندی روایات

این چند دسته از روایات و آیات، مربوط به دوره ها و مراحل مختلف حکومت حضرت مهدی (عج) است:

دسته اول اشاره به سیره و روش حضرت مهدی (عج) در ابتدای ظهور دارد و دسته دیگر، اشاره به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت آن حضرت.

توضیح اینکه امام علیه السلام در ابتدای ظهور، تنها کافرانی را که به ظلم و فساد در زمین مشغول اند، سرکوب می کند و یا ملزم به پذیرش اسلام و قوانین حیات بخش آن می کند.

^{۱۰۱} (۶). آل عمران (۳)، آیه ۸۳.

^{۱۰۲} (۱). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

^{۱۰۳} (۲). همان، ص ۳۹۰.

^{۱۰۴} (۳). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴.

^{۱۰۵} (۴). اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

^{۱۰۶} (۵). توبه (۹)، آیه ۳۳.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

امام با کفرانی که از ظلم و جور و فساد به دوراند و پذیرای حکومت دادگستر ایشان هستند، همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سرمسالمت رفتار می کند و از آنان جزیه (مالیات مخصوص) می گیرد و به تدریج با برقراری عدل و فراگیری آن در سراسر زمین و از بین بردن باطل ها و بدعت ها و آشکار شدن نشانه ها و آیات حق، حجت های روشن الهی بر مردم، تمام می شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند و در آن دوره مردم مسلمان خواهند شد و کفر و شرک مصداق روشن ظلم و تجاوز از حق خواهد بود که جایی در حکومت الهی مهدی (عج) ندارد و باید از اساس حذف گردد.

حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى**^{۱۰۷} به فضل فرمود: «ای مفضل! اگر پیامبر بر همه دین ها غالب شده بود، از آتش پرستان، یهودیان، نصارا، ستاره پرستان و از تفرقه، نفاق و شرک اثری نبود. این که خداوند فرموده **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** مربوط به روز ظهور مهدی (عج) است»^{۱۰۸}.

وضعیت اهل کتاب (یهود و نصار)

با توجه به مطالب پیش گفته، مانعی ندارد که بگوییم: اقلیتی از یهود و نصارا در پناه حکومت حضرت مهدی (عج) با شرایط اهل ذمه وجود داشته باشد.^{۱۰۹}

شده است: «وقتی قائم قیام کند، میان اهل تورات به تورات و میان اهل انجیل به انجیل حکم می کند و میان اهل زبور به زبور و میان اهل قرآن به قرآن...» می توان گفت اینها مربوط به مراحل آغازین ظهور است، ولی تکامل بشر به حدی می رسد که همگان موحد و مسلمان می شوند و یا حداقل آنان از عقاید شرک آلود خود (مانند تثلیث و این که خدا پسر دارد و...) دست بردارند تا مدتی تحت حکومت اسلامی به زندگی خود ادامه می دهند.

درباره آیات مربوط به وجود یهود و نصارا تا قیامت می توان گفت: منظور از ادامه زندگی، می تواند مربوط به دوره آخرالزمان باشد و به جهت نزدیکی ظهور امام زمان (عج) و برپایی قیامت و با یک تعبیر از آن یاد شده است؛ چنان که بسیاری از علایم آخرالزمان و علایم برپایی قیامت یکسان باشد. بنابراین یهود و نصارا تا آن دوران هستند و با ظهور امام زمان (عج) و اقتدای حضرت مسیح علیه السلام به ایشان، پیروان حق طلب ادیان با حق آشنا می شوند و همه زیر پرچم امام زمان (عج) می آیند.

^{۱۰۷} (۱) توبه (۹)، آیه ۳۳.

^{۱۰۸} (۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

^{۱۰۹} رحیم کارگر، دفتر بیست و هشتم (مهدویت (دوران ظهور)) پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: نهم، ۱۳۹۰.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار حکومت جهانی در عصر ظهور

پرسش ۱۶. چگونه امام مهدی بر دولت ها پیروز می شود و این تعداد جمعیت جهان تسلیم او می شوند؟

آیا چنین چیزی امکان دارد که بر چندین میلیارد انسان، تسلط یابد و در برابر این همه دشمن پیروز از میدان به در آید؟

پیروزی و غلبه حضرت مهدی (عج) و تشکیل حکومت جهانی، ممکن است به طور اعجاز و خرق عادت انجام یابد و ممکن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود؛ چنان که پیشرفت و غلبه پیامبر اکرم و قوای اسلام بر هر دو نوع بود. بر این اساس مؤلفه ها و عوامل زیر در پیروزی سریع و قاطع آن حضرت نقش دارد:

یک. ناگهانی بودن قیام

حضرت مهدی (عج) زمانی ظهور می کند که دشمن در غفلت و بی خبری قرار دارد و با قیام ناگهانی ایشان (بغته)، غافلگیر شده و پیروزی های سریعی به دست خواهد آورد. در توقیع شریف حضرت آمده است: «پس همانا امر ما به طور ناگهانی خواهد بود»^{۱۱۰}.

دو. اصلاح سریع کارها با امدادهای غیبی

طبق روایات خداوند، حجت خود را در قیام بزرگ و شکوهمندش یاری می دهد و با انواع امدادهای غیبی، پیروزی او را آسان و کارهایش را

سریع اصلاح می کند. و رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مهدی از ما اهل بیت است خداوند (امر) او را در یک شب اصلاح می کند»^{۱۱۱}.

موارد امدادهای غیبی خداوند عبارت است از:

۲. ۱. ایجاد ترس در دل دشمنان

حضرت مهدی (عج) یاری شده با ترس (مؤید بالرعب) است؛ یعنی خداوند چنان رعب و ترس او را در دل دشمنان می اندازد که قدرت هر عکس العمل شدید و سفاکانه را از آنها سلب می کند، حتی ترس از سپاهیان آن حضرت، یک ماه جلوتر از حرکت آنها بر دشمن حاکم می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند ... مهدی را به سه لشکر تأیید می کند ...

^{۱۱۰} (۱) احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۶.

^{۱۱۱} (۱) کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۱۵.

۲.۲. یاری شده با فرشتگان

از جمله تأییدات و امدادهای غیبی الهی، کمک فرستادن ملائک برای یاری امام مهدی (عج) و جهاد آنان همراه با حضرت است. در روایتی آمده است:

«خداوند او را به سه هزار ملائکه یاری خواهد کرد ...»، «هنگامی که قائم آل محمد ظهور نماید، خداوند او را به وسیله گروه های فرشتگان نشاندار، پیایی، فرود آورده شده و مقرب (بالملائکه المسمومین و المردفین و المنزلین و الکروبین) یاری خواهد کرد. جبرئیل، فرشته امین وحی، پیشاپیش آن حضرت و میکائیل سمت راست و اسرافیل سمت چپ او خواهد بود. ترس و رعب به مسافت یک ماه، پیشاپیش و سمت راست و طرف چپش حرکت خواهد کرد و فرشتگان مقرب در کنار او خواهند بود»^{۱۱۳}.

۲.۳. یاری شده با نیروهای طبیعی

برای حضرت قائم حتی زمین نیز مهیا و آماده می شود (تطوی له الارض)^{۱۱۴} بر این اساس ممکن است خداوند به وسیله نیروهایی چون باد و دیگر نیروهای طبیعت، حضرت مهدی (عج) را یاری رساند؛ چنان که همه نیروهای طبیعت (باد و صاعقه و ...) مسخر حضرت سلیمان علیه السلام بودند. با تسلط حضرت مهدی (عج) به نیروهای طبیعت و تصرف در آنها با اذن الهی، پیروزی هایی نصیب ایشان خواهد شد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «... (وقتی) قائم ما مهدی ظهور کند، تمام مشرکان در روی زمین محو می شوند، تا جایی که سنگ به سخن می آید و به مؤمن می گوید: ای مؤمن! درون من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان»^{۱۱۵}.

سه. توانمندی و فرماندهی بی نظیر امام (عج)

یکی از مهم ترین عوامل پیروزی حضرت مهدی (عج)، صلابت، شجاعت و رهبری بی نظیر آن حضرت در جهاد با دشمنان دین حق است. آن حضرت در این مصاف سرنوشت ساز هم از توانمندی و نیروی جسمی و شخصی برخوردار است و هم در مدیریت و فرماندهی نظامی، مقتدرانه و قاطعانه برخورد می کند.

امام رضا علیه السلام در مورد ایشان می فرماید: «قائم کسی است که وقتی ظهور می کند، در سن پیران است، ولی به نظر جوان می آید. اندامی قوی و تنومند

^{۱۱۲} (۲). الغیبة نعمانی، ص ۱۹۸.

^{۱۱۳} (۳). همان، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

^{۱۱۴} (۱). منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

^{۱۱۵} (۲). الغیبة نعمانی، ص ۲۲۹، ح ۱۱.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویان موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد، صخره می شکند و از جا کنده می شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه او است»^{۱۱۶}.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «پدرم فدای فرزند نیکوترین کنیزان که (ظالمان و کافران) را خوار و ذلیل خواهد کرد و جام زهرآگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر با آنان برخورد خواهد کرد»^{۱۱۷}.

چهار. یاری مؤمنان و صالحان

بسیاری از مسلمانان، از پیشتازان و پیشگامان ملت هایی هستند که به گرد آن خورشید جهان افروز حلقه می زنند و زیر پرچم او قرار می گیرند و به یاری می شتابند. مهم ترین اینان ۳۱۳ تن از یاران خاص و آن گاه ده هزار نیروی زبده رزمی و ... است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «۳۱۳ تن از یاران حضرت با او بیعت می کنند، ولی حضرت در مکه می ماند تا عدد یاران به ده هزار تن برسد، آن گاه به طرف مدینه حرکت می کند»^{۱۱۸}.

پنجم. تسلیم شدن مسیحیان

براساس روایات فراوان، حضرت عیسی علیه السلام به هنگام قیام امام مهدی (عج) از آسمان فرود می آید و به آن گرامی اقتدا می کند و به امامت او نماز می گذارد.

هم چنین فرماندهی سپاه حضرت را به دست می گیرد و در سرکوبی دشمنان به امام یاری می رساند. پس از این واقعه، همه مسیحیان به دستور او زیر پرچم

امام عصر (عج) وارد می گردند و اسلام واقعی را می پذیرند و از طرفداران امام عصر می شوند. البته می دانیم که زمامداران و ملت های اروپا و امریکا و بخشی از قاره آفریقا مسیحی اند و تسلیم شدن آنان، نقش بسزایی در پیروزی حضرت و بر داشته شدن موانع دارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که ده هزار پیکارگر آگاه، گرد آن حضرت آمدند، دیگر یهودی و مسیحی یافت نمی شود، جز این که به او و قیام جهانی اش ایمان می آورند و او را تصدیق می کنند»^{۱۱۹}.

روشن است که این دگرگونی عظیم، به سرعت در نظام های مختلف جهانی اثر عمیق خود را می گذارد و در تسلیم شدن آنان نیز نقش خواهد داشت.

^{۱۱۶} (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴.

^{۱۱۷} (۲). الغیبه نعمانی، ص ۲۲۹، ح ۱۱.

^{۱۱۸} (۳). منتخب الاثر، ص ۶۸۴.

^{۱۱۹} (۱). عبدالهادی الایبیری، العرائس الواضحه، ص ۲۰۹، قاهره (به نقل از امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۹۶)؛ و نیز ر. ک: نور الابصار، ص ۱۵۵؛ معجم احادیث امام مهدی (عج)، ج ۵، ص ۱۷۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قبل از قیام قائم هر مرگی وجود دارد، مرگ سرخ و مرگ سفید، تا اینکه از هر هفت نفر، پنج نفر می میرند، مرگ سرخ کشته شدن است و مرگ سفید بیماری طاعون است»^{۱۲۰}.

در روایت دیگری می فرماید: «حضرت خروج نمی کند تا این که یک ثلث از مردم کشته شوند و ثلث دیگر از دنیا بروند و ثلث دیگر باقی بمانند»^{۱۲۱}.

بنابراین آنچه برخی روایات درباره کشتار فراوان ذکر کرده اند، مربوط به کشتارهای است که قبل از قیام حضرت به دست ستمگران واقع می شود از قبیل جنگ جهانی دوم، جنگ های خاورمیانه، جنگ های دجال و سفیانی، شیوع بیماری های مرموز و

هفت. استقبال همگانی و مردمی

ظهور امام مهدی (عج) زمانی اتفاق می افتد که مردم در مشکلات و سختی های فراوان هستند و با یأس از مکاتب بشری و حکومت های خود، در انتظار قیام منجی موعود به سر می برند. به همین جهت، در برابر امام مهدی (عج)، سر تسلیم و خضوع فرود می آورند و زمام امور خویش را به دست توانمند و کارگشای او می سپارند؛ بدان امید که نجات و نیک بختی بشریت را تضمین نماید. در عمل نیز چنین خواهد شد و آن حضرت ریشه فقر و ظلم، نابرابری، فساد و ... را بر خواهد کند و حکام جور را عزل خواهد نمود.

از طرفی خداوند محبت و عشق حضرت را در دل مردم خواهد افکند و آنان با او بیعت کرده و در گرد او جمع خواهند شد.

در روایتی آمده است: «امت اسلامی به مهدی (عج) مهر می ورزند و به سویش پناه می برند؛ آن چنان که زنبورهای عسل به سوی ملکه خود پناه می برند، عدالت را در پهنه گیتی می گسترانند و ...»^{۱۲۲}.

امکان ملاقات با امام زمان (عج)

پرسش ۱۷. سؤال من راجع به ملاقات هایی است که عده ای از خاصان توفیق آن را یافته و به محضر امام زمان (عج) شتافته اند.

آنچه که من مطالعه کرده ام، بیشتر موارد مربوط به کسانی است که مشکل یا گرفتاری برایشان پیش آمده و آن امام را ملاقات کرده اند. حال آیا ملاقات با آن امام برای انسان های عادی مثل ما امکان پذیر است یا خیر. در این صورت چرا امام علیه السلام با افرادی مثل من در ارتباط نیست؟ به طور کلی نظر شما درباره امکان دیدار و ملاقات چیست؟

^{۱۲۰} (۲). معجم الملاحم و الفتن، ج ۴، ص ۲۹۱.

^{۱۲۱} (۳). همان، ص ۷۵.

^{۱۲۲} (۱). منتخب الاثر، ص ۵۹۸، ح ۲.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. میری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

بحث ملاقات و دیدار با امام زنده - ولی غایب از دیده ها - حسّاس، مهم و پرجاذبه است. ابتدا باید بدانیم دورانی که در آن قرار داریم، دوران غیبت امام زمان (عج) است. بنابراین انتظار دیدار و ارتباط، امری برخلاف حکمت و مصلحت امر غیبت است.

بنابراین هر چند نعمت دیدار سیمای نورانی امام، نعمتی بسیار ارزشمند و یکی از الطاف الهی است؛ ولی اگر بنا بر مصالح و شرایطی، لازم باشد امام، غایب شود و پنهانی و در خفا زندگی کند و یا اینکه طلب دیدار خطری را متوجّه آن حضرت کند؛ در اینجا باید راضی به قضای الهی شد و حفظ سلامتی امام را بر هر چیزی مقدّم دانست. با توجّه به این مقدمه احتمال دیدار آن حضرت، یا عدم امکان آن بررسی می گردد.

انواع ملاقات و مشاهده

رؤیت و دیدار حضرت مهدی (عج) می تواند به چند شکل باشد:

۱. «رؤیت»، به معنای دیدن به دو صورت است:

الف. گاهی ایشان در جمعی و مراسمی شرکت می کنند؛ مردم وی را می بینند؛ ولی نمی دانند که او، امام زمان (عج) است.

ب. در هنگام مشاهده حضرت متوجّه نیستند؛ ولی بعد متوجّه و یا معتقد می گردند که آن شخصیت حضرت حجّت (عج) بوده است.

۲. «فیض حضور»، به معنای دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سؤال و جواب؛ یعنی، افزون بر اینکه حضرت را دیده و شناخته است؛ از ایشان نیز سؤال کرده و با وی به گفت و گو پرداخته است. این مرحله و رتبه از همه بالاتر و ارزنده تر است.

۴. «شهود»، گاهی ممکن است؛ برخی بزرگان از راه سیر و سلوک و مکاشفه با حضرت ارتباط برقرار کنند.

۵. «دیدار در خواب»؛

دیدگاه ها در مورد ملاقات و مشاهده

درباره امکان دیدار یا مشاهده امام عصر (عج) چند دیدگاه وجود دارد:

۱. انکار دیدار یا مشاهده؛

۲. پذیرش دیدار یا مشاهده؛

هر یک از این دیدگاه‌ها، دارای ادله و شواهدی است که با توجه به آنها، تنها می‌توان به صورت محدود و خاصی امکان دیدار را پذیرفت و توفیق تشرف را شامل افرادی خاص دانست. در اینجا به بررسی اجمالی دلایل مخالفان و موافقان می‌پردازیم:

یک. دلایل مخالفان ملاقات

به نظر اینان، در عصر غیبت کبری، امکان دیدار، مشاهده و ارتباط با امام مهدی (عج) وجود ندارد و برابر دستور آن حضرت، مدعی دیدار را باید تکذیب کرد. عالمان و بزرگانی چون شیخ مفید در المسائل العشره فی الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی در الغیبه، فیض کاشانی در وافی، کاشف الغطا در رساله حق المبین و ... این نظریه را پذیرفته و مستندات برای آن ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها توقیع شریف امام علیه السلام به علی بن محمد بن سمری است.

در این توقیع امام می‌فرماید: «به نام خداوند بخشنده مهربان، ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادران دینی تو را در سوگ تو افزون کند. تو زندگی را شش روز دیگر بدرود خواهی گفت. کار خویش را سامان بخش و به کسی در مورد جانشینی خود [در نیابت خاصه] وصیت نکن که غیبت کامل کبری آغاز گردیده و ظهور جز به اذن الهی تحقق نیابد و آن، پس از مدتی دراز و قساوت دل‌ها و آکنده شدن زمین از جور و ستم خواهد بود. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده ما را داشته باشند، سخت دروغ گو و افترا زننده است» و ...^{۱۲۳}.

براساس روایتی نیز حضرت در میان مردم زندگی می‌کند و آنان را می‌بیند و می‌شناسد؛ ولی مردم آن حضرت را نمی‌شناسند و این به معنای نفی ادعای رؤیت و دیدار است: «اگر زمین یک ساعت از حجت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد. حجت مردم را می‌شناسد؛ لیکن آنان او را نمی‌شناسند! همان گونه که یوسف مردم را می‌شناخت و آنان او را نمی‌شناختند»^{۱۲۴}.

علاوه بر این روایات، ادله دیگری را نیز می‌توان در تأیید این دیدگاه ارائه کرد؛ از جمله:

۱. دیدار و مشاهده، منافی با غیبت و پنهان زیستی امام زمان (عج) و الزامات و بایسته‌های این دوران است. در این دوران امام ناشناس زندگی می‌کند و تنها بر اوضاع مردم اشراف دارد.

۲. این دیدارها و ارتباطها، احتمال خطر جانی را برای حضرت به وجود می‌آورد و سلامتی و حفظ جان او را با خطر رو به رو می‌کند. اگر دشمنان اندک اطلاعی از این موضوع داشته باشند، به یقین علیه آن حضرت اقدام کرده و تهدیدی جدی خواهند بود.

^{۱۲۳} (۱) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶۰، ح ۷؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۷.

^{۱۲۴} (۱) الغیبه النعمانی، ص ۱۴.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویان موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

۳. یکی از حکمت های غیبت و پنهان زیستی امام عصر (عج)، امتحان شیعیان است؛ چون بر اثر طولانی شدن غیبت، گروهی از مردم منکر وجود حضرت می شوند و از عقیده خود بر می گردند، اما این دیدارها و مشاهده ها، امکان امتحان شیعیان را از بین می برد و پنهان زیستی امام، تبدیل به زندگی نیمه حضوری می شود.

۴. این دیدارها و مشاهده ها، منجر به سوء استفاده عده ای کج فهم و سست ایمان می شود و هر کس از این نمد، کلاهی برای خود می دوزد و دگانی

باز می کند، وجود این سوء استفاده ها- چنان که متأسفانه الان به عیان مشاهده می شود- منجر به نوعی هرج و مرج و رخنه در ایمان مردم می شود و هیچ راهی نیز برای مقابله با آن وجود ندارد.

۵. در سایه ادعاهای نادرست و گاهی شیطانه و بیان داستان ها و حکایات ضعیف و شخصی، انحرافات ایجاد و خرافاتی رایج می شود و پیامدهای سوئی به همراه دارد که در بعضی از مناطق و شهرها نمونه هایی از آنها مشاهده شده است.

۶. دیدار و ملاقات با اولیاء الله- به خصوص آنانی که در جامعه حضور مستقیم ندارند- لیاقت و شایستگی بالایی می خواهد که در بسیاری از مدعیان مشاهده، وجود ندارد.

۷. ترویج ایده دیدار و توصیه های مختلف جهت ملاقات و مشاهده، عدم گرفتن نتیجه مناسب جو یأس و بدبینی و ناامیدی ایجاد می کند.

۸. شیعیان وظیفه و تکلیفی برای دیدار امام غایب ندارند. بلکه مکلف به صبر و بردباری در این دوران و انتظار مثبت و سازنده هستیم.

دو. دلایل موافقان دیدار

بر اساس این دیدگاه، ملاقات و مشاهده حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت کبری امکان پذیر است و منعی در آن نیست.

سید مرتضی می گوید: «ما قطع نداریم که دست کسی به امام نمی رسد و بشر نمی تواند او را ملاقات کند» و «... ممتنع نیست که امام برای برخی از دوستانش ظاهر گردد، کسانی که ترسی از آنان نیست»^{۱۲۵}.

شیخ طوسی نیز تصریح می کند: «ما تجویز می کنیم که بسیاری از اولیا و قائلین به امامت او، به خدمتش رسیده و از او نفع می برند»^{۱۲۶}.

از نظر سید بن طاووس نیز: «گرچه امام الان از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست که جماعتی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار ایشان استفاده کنند و از دیگران کتمان نمایند ...»^{۱۲۷}.

^{۱۲۵} (۱). تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲ و ۱۸۴.

^{۱۲۶} (۲). کلمات المحققین، ص ۶۳.

برای اثبات این دیدگاه، دلایلی چند اقامه شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. دلیل عقلی

مردم همیشه به امام نیاز دارند و غیبت او از جامعه، به معنای عدم حضور نیست؛ پس او در بین مردم زندگی می کند و تا زمان ظهورش، در زمین است.

نتیجه آنکه دیدن و رؤیت کسی که دارای زندگی طبیعی است و مثل سایر مردم، مسکن، خوراک، پوشاک و رفت و آمد دارد، هیچ گونه منع عقلی ندارد؛ زیرا کسی که به طور طبیعی در میان مردم زندگی می کند، از نظر عقل قابل دیدن است و مخفی بودن و ندیدن ایشان بر خلاف انتظار و خلاف قانون طبیعی است.

۲. دلیل روایی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لأبَدَ لصاحب هذا الامر من غيبة و لأبَدَ له فی غيبته من عزلة و نعم المنزل طيبة و ما بثلاثين من وحشة»^{۱۲۸}؛ «صاحب این امر، به ناگزیر غیبتی دارد و در دوران غیبت، از مردم کناره می گیرد و نیکو منزلی است [مدینه] طيبة و با سی تن، وحشتی نیست».

این حدیث دلالت دارد که حضرت، بیشتر در مدینه و اطراف آن است و سی تن

از موالی و خواص با او، همراهند که اگر یکی بمیرد، دیگری به جای او می نشیند^{۱۲۹}.

در روایتی آن حضرت، به یوسف علیه السلام تشبیه شده که از دیده ها پنهان و ناشناس بود و مردم او را می دیدند؛ ولی نمی شناختند: «اما سنّة من یوسف فالستر یجعل الله بینه و بین الخلق حجاباً یرونه و لا یعرفونه»^{۱۳۰}.

امام رضا علیه السلام فرمود: «خضر از آب حیات نوشید و تا نفخ صور زنده است؛ نزد ما می آید، به ما سلام می کند صدایش را می شنویم؛ اما خودش را نمی بینیم ... خداوند در دوره غیبت، به وسیله او غربت و تنهایی قائم ما را به انس و الفت بدل خواهد کرد»^{۱۳۱}.

این روایت و نیز آنچه در این زمینه نقل شده، گواه آن است که برخی از بزرگان و نخبگان از دوستانش، آن حضرت را زیارت کرده اند و در این هیچ تردیدی نیست^{۱۳۲}.

۳. دلیل عمومی (داستان ها و حکایت های دیدار)

^{۱۲۷} (۱). الطرائف، ص ۱۸۵.

^{۱۲۸} (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

^{۱۲۹} (۱). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

^{۱۳۰} (۲). کمال الدین، ج ۲، ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴.

^{۱۳۱} (۳). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، ح ۲۲۹.

^{۱۳۲} (۴). علی سعادت پرور، ظهور نور (ترجمه الشمس المضيئه)، ص ۱۱۵.

در کتاب های بسیاری، داستان ها و اخبار گوناگونی نقل شده که امکان ارتباط با آن حضرت در غیبت کبری را نشان می دهد.

بزرگانی چون قطب الدین راوندی در الخرائج، ابن طاووس، محدث نوری در نجم الثاقب و ... داستان هایی در این زمینه نقل کرده اند و ... در کتاب های مختلفی از تشرقات عده ای چون ابن قولویه، بحرالعلوم، مقدس اردبیلی و ... سخن به میان آمده است. تعداد حکایات نقل شده مبنی بر دیدار آن حضرت در بیداری، از نظر کثرت متواتر است، به طوری که یقین پیدا می کنیم که فی الجمله دیدارها و ملاقات هایی با آن حضرت بوده است ...^{۱۳۳} و چون از افراد صادق و با

ایمان نقل شده، قابل اعتماد است.

محدث نوری می گوید: «ما روشن کردیم جواز دیدن حضرت را در غیبت کبری، به طور مستوفی در رساله های جنّه المأوی و نجم الثاقب [و] شواهدی بر این مطلب ذکر کردیم که تردید باقی نماند و از سید مرتضی و شیخ الطائفه و ابن طاووس تصریح بر این مطلب را آوردیم و برای آنچه درباره تکذیب مدعیان رؤیت آمده، تأویلاتی ارائه کردیم»^{۱۳۴}.

آخوند خراسانی (صاحب کفایه) در تأیید این دیدگاه می فرماید: «در زمان غیبت، عادتاً دیدار ممکن نیست؛ گرچه احتمال تشرف برخی از افراد صالح و اوحدی به خدمتش داده می شود و احیاناً او را نیز می شناسند»^{۱۳۵}.

محقق نائینی نیز می گوید: «اما در زمان غیبت، عادتاً رؤیت حضرت ممکن نیست. آری، گاهی در زمان غیبت برای اوحدی از افراد صالح، تشرف به خدمت حضرت و گرفتن حکم از ایشان، امکان پذیر است»^{۱۳۶}.

این دیدارهای محدود و استثنایی و با پنهان زیستی و غیبت امام زمان (عج)، منافاتی ندارد و چون از طرف خود آن حضرت و با اراده او صورت می گیرد، خطری را برای ایشان به وجود نمی آورد. وظیفه ما نیز تلاش جهت برقراری ارتباط روحی و معنوی با حضرت و عمل به خواسته ها و دستورات او است.

به یقین اگر ما از گناهان دوری و به تکالیف دینی خود عمل کنیم، مورد توجه و عنایت آن حضرت بوده، از دعاها و تفضلات ایشان بهره مند خواهیم شد.

حتّی در زمان امام عسکری علیه السلام و عصر غیبت صغری - که دیدار و مشاهده امام منعی نداشت و هنوز در پرده غیبت کامل قرار نگرفته بودند - تنها عده معدودی از صالحان و پرهیزگاران می توانستند او را زیارت کنند.

^{۱۳۳} (۵). محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۱۲۱.

^{۱۳۴} (۱). مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۱۹.

^{۱۳۵} (۲). کفایة الاصول، ج ۲، ص ۲۹۱.

^{۱۳۶} (۳). فرائد الاصول، ج ۲، بحث اجماع.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجوي موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بيدي دانشگاه علوم پزشكي سبزوار

وقتي كه امام حسن عسكري عليه السلام، فرزند پنج ساله خود را به وكيلش احمد بن اسحاق قمي نشان داد؛ به او فرمود: «يا احمد بن اسحاق! لولا كرامتك على الله و على حُججه لا عَرَضْتُ عليك ابني هذا»^{۱۳۷}؛ «اي احمد بن اسحاق! اگر منزلت و كرامت تو در نزد خدا و حجت هاي او نبود، اين فرزندم را به تو نشان نمي دادم».

از طرفي بايد توجه كنيم كه بيشتر داستان ها و حكايات نقل شده در مورد ديدار و مشاهده، نمي تواند صحيح باشد و نبايد به همه آنها ترتيب اثر بدهيم.

اشخاص مدعي مشاهده و ديدار - اگر مؤمن و صالح باشند - ممكن است در خواب او را زيارت کرده و يا با يكي از ملازمان و مأموران آن حضرت ملاقات کرده باشند. حتي احتمال دارد ديدارهاي بسياري روي داده باشد كه كسي از آنها آگاه نشده و به كسي هم نقل نشده است (چنان كه بزرگاني چون مقدس اردبيلي و بحرالعلوم و ... خود ادعايي در اين زمينه نداشتند و تنها شاگردان و خواص آنها پي به موضوع برده و آن گاه با اصرار و الحاح، موضوع را از زبان ايشان شنيده اند). به هر حال بايد نقل اين گونه داستان ها و حكايات، محدود و گزينشي باشد و از گسترش دامنه آنها جلوگيري گردد.

۴. دليل اصولي (اجماع)

از ديگر شواهدی كه بر امكان ارتباط در عصر غيبت ذكر كرده اند، «اجماع» است؛ يعني، عالمي، سخني از حضرت مهدي (عج) شنیده و آن را به جهت اينكه تكذيب نشود در قالب اجماع بيان مي كند. اين اجماع، تشرفي بوده و نشانگر ارتباط عده اي از علما با امام زمان (عج) است.

محقق تستري در كشف القناع مي گويد: «برخي از بزرگان و حاملان اسرار ائمه عليهم السلام، مسائلي را از امام عصر (عج) دريافت كرده اند و چون امكان اعلان آن نبوده، با عنوان اجماع از نظر امام زمان (عج) ياد مي كنند»^{۱۳۸}.

۵. دعاها و اذكار

نقل بعضي از دعاها و اذكار منسوب به حضرت مهدي (عج) در عصر غيبت كبري، دليل ديگري بر امكان ديدار و مشاهده آن حضرت است؛ زيرا اين ادعيه و آثار، از راه تشرف و ملاقات با حضرت قابل انتقال و نقل است و نقل كنندگان آن نيز مشخص و شناخته شده مي باشند (چون ابن طاووس و ...). از طرفي دعاها و اذكاري نيز در كتاب ها مبني بر راه هاي ديدار و ملاقات امام عليه السلام نقل شده كه مؤيد اين معنا است؛ چنان كه در دعای عهد مي گوييم: «اللهم ارنى الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة و اكل ناطري بنظره مني اليه».

ملاقات با حضرت مهدي (عج) و بيان حكايات آن، داراي آثار و فوايد فراواني است و تأثير به سزايي در اثبات غيبت و طول عمر آن حضرت دارد. اين مسئله موجب تقويت ايمان و باور افراد و ترويج فرهنگ و اندیشه مهدويت مي شود.

^{۱۳۷} (۱). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳، ح ۱۶.

^{۱۳۸} (۱). كشف القناع، ص ۲۳۰.

مستندات و دلایل هر دو دیدگاه قابل نقد و خدشه است و نمی‌توان به طور کامل آنها را پذیرفت یا رد کرد. مهم‌ترین دلیل مخالفان دیدار، توقیع شریف امام زمان (عج) است که از نظر سندی و دلالتی قابل بحث و تفسیر است.

بر اساس روایات مختلف هر چند آن حضرت در میان مردم حضور دارد و حتی در مراسم حج شرکت می‌کند؛ اما شناخته‌نمی‌شود و این مسئله قید ندارد و مطلق است.

از نظر موافقان دیدار، روایاتی هست که بر اساس آنها عده‌ای از خاصان به حضور امام علیه السلام می‌رسند. به نظر می‌رسد این افراد، عده‌ای از خواص و اولیاء الله هستند که از مردم منفک شده و به امام زمان (عج) پیوسته‌اند و در هیچ حالی خود را معرفی نمی‌کنند. امکان ارتباط و دیدار نیز فقط برای اینان وجود دارد^{۱۳۹}.

با بررسی این آرا و نقدها، به روشنی ثابت می‌شود که اصل کلی در زمان غیبت کبری، بر عدم ملاقات و ارتباط با آن حضرت استوار است و ما هیچ تکلیف و یا دستوری مبنی بر تقاضای دیدار و رؤیت نداریم و هیچ دلیلی نیز وجود ندارد که ما سعی کنیم با دعا، چله نشینی، ذکر و اورداد و ... حتماً به محضر آن امام همام مشرف شویم. حتی به جهت سوء استفاده‌های فراوانی که از این امر شده، باید به شدت از آن دوری کنیم و تنها به فکر ارتباط روحی و قلبی با امام زمان (عج) باشیم.

البته به یقین بزرگانی چون بحرالعلوم، ابن طاووس، مقدس اردبیلی و ...

به محضر آن حضرت مشرف شده و او را زیارت کرده‌اند؛ اگرچه خود، ادعایی در این زمینه نداشته‌اند؛ ولی این دیدارها را تأیید کرده‌اند.

هم‌چنین آن حضرت نیز در موارد ضروری و نیاز، به یاری گرفتاران و محتاجان شتافته و به دستگیری از آنها پرداخته است. از این رو می‌توانیم بگوییم که امکان دیدار و مشاهده حضرت در عصر غیبت کبری، به صورت خیلی محدود و یا بر اثر ضرورت وجود دارد و این توفیق و سعادت بزرگی است که شامل عده‌ای خاص و اندک می‌شود. لذا مفاد حدیثی که در نفی مشاهده است؛ به معنای نفی ادعای ملاقات و مشاهده به طور پیوسته و دائمی قبل از ظهور است و یا نفی ادعای ظهور حضرت به طور اختصاصی برای عده‌ای خاص می‌باشد و یا نفی ارتباط اختصاصی همانند نواب اربعه می‌باشد و یا نفی ادعای رؤیت به اختیار خود است.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. میری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
دعا برای ملاقات

پرسش ۱۸. بسیار علاقه دارم که به حضور امام و محبوبم مشرف شوم؛ آیا چله ها و ختم هایی که برای مشاهده و دیدار امام زمان (عج) در بعضی از کتاب ها نقل شده، درست است و می توان از این طریق به محضر آن حضرت شتافت.

در غیر این صورت از تشرّفات و دیدارهای کدام افراد صحیح و درست است و می توان به داستان آنها باور داشت؟

ابتدا باید بدانیم که وظیفه و تکلیف ما در عصر غیبت کبری، زمینه سازی برای ظهور و قیام امام زمان (عج) و آمادگی برای همراهی با او، ترویج و تبلیغ آرمان های والای امام علیه السلام، هم سنخی و ارتباط روحی و قلبی با آن حضرت، عمل به دستورات دینی، شناخت خواسته های او از ما و رفع موانع ظهور است.

دوران ما، عصر انتظار پویا و سازنده است و معنای آن چشم به راه بودن، دعا کردن، صبر و تحمل داشتن و تقویت ایمان و یقین است. ما از این طریق می توانیم ارتباط روحی و قلبی عمیقی با امام علیه السلام برقرار سازیم و همیشه و در همه جا، به فکر و یاد او باشیم و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنیم.

بر این اساس در کتاب های معتبر روایی، سفارش و دستوری مبنی بر زیارت و ملاقات با امام زمان (عج) نرسیده است. چنین خواسته ای، خارج از وظایف ما و الزامات غیبت کبری است و حتّی با آن منافات دارد.

آری اگر درخواست ملاقات با حضرت در عصر غیبت، به جهت بهره مندی از وجود او و مورد عنایت خاص او قرار گرفتن است، مطلوب و پسندیده است و چنانچه همراه با اخلاص، ورع، معرفت، تسلیم و عشق باشد، عنایاتی

به انسان خواهد شد و به کمالاتی دست خواهد یافت.

می خواهم او را در دل سینای دیدار

می جویم از کوی شفق آوای دیدار

می میرم از این حسرت پیدای دیدار

آئینه اشکم شده پژواک افسوس

می پرسم از هنگامه زیبای دیدار

هر بامداد از یاس های آسمانی

کی می شود تعبیر این رؤیای دیدار...

می بینمش در خواب شیرین بهاری

اصل امکان تشرّف به خدمت حضرت مهدی (عج)، به نصّ خاصی ثابت نشده، جز به تواتر اجمالی که از ادّعای صالحان و عالمان (داستان های دیدار)، به دست آمده است؛ آنچه از چله ها و ختم ها و اذکار در کتاب هایی دیده می شود که اهلیّت تألیف ندارند، اصلی ندارد. زیرا بنای اصلی بر غیبت است، نه بر رؤیت؛ البته دیدن ممکن است؛ ولی به شرط اقتضای مصلحت. آن هم امرش به دست امام (عج) است، نه به خواسته من و شما!! پس نباید پی این و آن رفت و

درخواست ختم و چله و راه کرد که هر چه گفته شود، بی اصل است! کسانی که رسیده اند، با این ختم ها و چله ها نرسیده اند!^{۱۴۰}

ممکن است برخی از روی خلوص، عملی را شروع کرده باشند و مدتی ادامه داده اند و بسیار جدیت کرده اند (از روی رجا و امید)؛ بدون اینکه نظری به ختم داشته باشند یا آن را چله حساب کنند و چون جدیت بسیار کرده اند، عاقبت برق لطف جستن کرده و شامل حال ایشان شده است. مانند اینکه شخصی، احیاناً در شب های چهارشنبه به مسجد سهله رفته و برای انجام دادن عمل مخصوصی که در شب چهارشنبه رسیده، در آنجا حاضر شده است؛ به این امید که شاید به ملاقات مشرف شود، چند مدتی این رنج را به خود داده تا اینکه

بالاخره نایل شده است و چون او، از این راه به مقصود رسیده، دیگران نیز به طمع افتاده اند!! کم کم آن را به صورت چله در آورده اند و پس از مدتی شهرت یافته که: «هر کس چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله برود، امام خود را خواهد دید»؛ کم کم عمل مجرب خوانده شده و ... در حالی که این هیچ موضوعیت و سندی ندارد. آری به وسیله عمل و جدیت، با صفای باطن و نیت پاک و عمل صالح، می توان به خدمت امام (عج) رسید؛ به شرط اینکه نظر علیّت به آن نداشته باشد؛ یعنی، این طور نباشد که عمل خود را علت بداند که در آن تخلف نخواهد بود؛ زیرا عمل و جدیت مقتضی است، علت نیست بلکه باید به قصد رجا باشد و به شرط اینکه اعمالش مطابق دستور شرع و صلاح و تقوایش مورد پسند باشد.

اظهار اشتیاق

اظهار علاقه و اشتیاق به دیدار آن بزرگوار، از نشانه های دوستان و موالیان آن حضرت است و در خوبی و استجاب آن تردیدی نیست؛ چون در دعاها، این معنا آمده است و چه خوب سروده اند:

و دمعُ عینی من الآماق مُندفق

قلبی الیک من الأشواق محترق

فهل رأیت غریقاً و هو محترق

الشوق یحرقنی و الدمعُ یغرِقنی

کس غریقی همچو من دیده در آتش شعله ور

ز آتش دل سوزم و در سیل اشکم غوطه ور

از ظهور طلعت گردد زمستان ها بهار

شوق روی انورت آرد شگفتی ها به بار

شوق دیدار یار را شاید نتوان برای همگان یک وظیفه شمرد؛ این وظیفه عاشقی است؛ این تکلیف سوختگان هجران است. آن کس که فراق حضرت مهدی (عج) بی تابش کرده؛ آن کس که دوری رخ زیبای یوسف فاطمه علیها السلام، خواب را از چشمانش گرفته و آن کس که غیبت مولایش راحت و آرامش و آسایش را از او سلب کرده، به چیزی جز دیدار نمی اندیشد:

«عَزِيزُ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تَرَى»^{۱۴۱}؛ «بر من دشوار است که مردم را ببینم اما تو دیده نشوی»^{۱۴۲}.

مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام نیز - با اینکه دو قرن پیش از تولد امام مهدی (عج) می زیست - اظهار اشتیاق به دیدارش داشت؛ چنان که در حدیثی آمده است:

امام علی علیه السلام پس از آنکه قسمتی از صفات و نشانه های او را بیان فرمود و به بیعت با او و اجابت دعوتش، امر کرد؛ فرمود: «آه و به سینه اش اشاره کرد و شوق دیدارش را اظهار داشت».

در حدیثی دیگر از احمد بن ابراهیم نقل شده که می گوید: «به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان، اشتیاقم را به دیدار مولایمان بیان کردم؛ به من فرمود: با وجود اشتیاق مایل هستی او را ببینی؟! گفتم: آری، فرمود: خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید و دیدن رویش را به آسانی و عافیت، به تو روزی کند! ابوعبدالله! التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت، به او اشتیاق داری و درخواست مکن که با او همنشین گردی که این از عزایم الهی است و تسلیم بودن به آن بهتر است؛ ولی با زیارت به سوی او توجه کن ...»^{۱۴۳}.

بر این اساس نیک و پسندیده بودن اشتیاق به آن حضرت، امر واضح و روشنی است؛ زیرا این از لوازم محبت است که از دوستان جدا نمی گردد و عبارت «خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید»، اشاره به ثواب ارزنده ای است که بر آن مترتب می شود.

اینکه در روایت آمده است: «ای ابوعبدالله التماس مکن که او را ببینی ...»، منظور دیدن آن حضرت به گونه امامان گذشته است؛ یعنی، هر وقت خواسته باشی، این امر برای فراهم باشد. جمله «به او اشتیاق داری ...»، در حقیقت، امر به شوق دیدار آن حضرت است و بر فضیلت اشتیاق اهل اخلاص به دیدار آن حضرت دلالت می کند^{۱۴۴}. این اظهار اشتیاق و علاقه، منافاتی با درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان ندارد و درخواست و دعا غیر از چله نشینی و ختم گرفتن و ... است.

در دعای عهد از خداوند می خواهیم: «اللَّهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ»^{۱۴۵}؛ «بار خدایا! آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنمای ...».

۱۴۱ (۱). دعای ندبه.

۱۴۲ (۲). ر. ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۴۶؛ وظایف منتظران، ص ۲۹.

۱۴۳ (۳). بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۹۷.

۱۴۴ (۱). مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۱۴۵ (۲). بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

در دعایی دیگر می‌گوییم: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اسئَلُکَ اَنْ تُرینِیْ وَلِیَّ امرِکَ ظاهراً نافِذاً الامرَ ...»^{۱۴۶}؛ «بار خدایا! از تو مسئلت دارم که ولیّ امرت را به من بنمایانی، در حالی که فرمانش نافذ باشد ...».

البته منظور از این دعاها و درخواست‌ها، می‌تواند دیدار و مشاهده آن حضرت در عصر ظهور و اشتیاق به همراهی و نصرت او باشد. این را هم باید بدانیم که - به فرض صحّت این دعاها و حکایات نقل شده در رابطه با ملاقات و مشاهده حضرت - تشرّف به محضر حجّت حقّ و آیت عظمای الهی

بر روی زمین، به آسانی و به طور عادی، امکان‌پذیر نیست و شرایط دشوار و طاقت فرسایی دارد.

مهم‌ترین شرط، رفع موانع و حجاب‌هایی است که بین انسان و امام زمانش وجود دارد و او را دلبسته مادیات، شهوات، نفسانیات و ... می‌کند. در داستان تشرّف علی بن مهزیار آمده است که او نوزده بار به عزم زیارت امام مهدی (عج) به سفر حج مشرّف شد؛ ولی توفیقی به دست نیاورد؛ تا اینکه در سفر بیستم، لطف الهی شامل حال او گردید و با اذن و اراده امام توفیق دیدار یافت.

وقتی که قاصد می‌خواست علی بن مهزیار را به محضر امام ببرد، پرسید:

چه می‌خواهی و دنبال چه می‌گردی؟! وی جواب داد: من به دنبال امامی هستم که محجوب و غایب از دیده‌ها است «ارید الامام المحجوب عن العالم!» قاصد گفت:

پاسخ اشتباهی دادی؛ چه کسی می‌گوید که حضرت محجوب از عالم است؟

بلکه این اعمال بد شما او را محجوب کرده است «و ما هو المحجوبُ عن العالم و لكن حَجَبَهُ سوءُ اعمالِکم»^{۱۴۷} و نمی‌توانید به محضرش بشتابید؟

خود علی بن مهزیار نقل می‌کند که امام زمان (عج) علّت عدم توفیق دیدار را چنین دانسته بود: «لا و لكنکم کَثَرْتُمُ الْأَمْوَالَ وَ تَجَبَّرْتُمُ عَلٰی ضَعْفَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ قَطَعْتُمُ الرَّحْمَ الَّذِیْ بَیْنَكُمْ فَائِ عَذْرَ لَکُمْ؟»؛ «شما امواتان را زیاد کردید و بر مؤمنان ضعیف کبر و بزرگی نمودید و قطع رحم کردید؛ پس هیچ عذری برای شما نیست».

مهم‌تر از این، کسب لیاقت و شایستگی در پرتو تهذیب و تزکیه نفس و در نتیجه جلب رضایت و عنایت الهی است. اگر لطف و کرامت آفریدگار شامل حال انسان گردد، پرده‌ها و حجاب‌ها زایل و رخساره ماه محمدی صلی الله علیه و آله و سلم نمایان می‌شود؛ چنان که ابن طاووس خطاب به فرزندش سید محمد می‌نویسد: «اعلم انّ الطریقَ

الی امامک مفتوحٌ لمن یرید الله عزوجل کرامته علیه»^{۱۴۸}؛ «راه به سوی امامت گشوده است؛ بر کسانی که خداوند اراده کرده، آنان را گرامی می‌دارد».

در داستان تشرف علامه حلی به محضر امام زمان (عج) آمده است:

«علامه حلی در شبی از شب های جمعه تنها به زیارت قبر مولایش ابی عبداللّٰه الحسین علیه السلام می رفت. ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه ای برای راندن آن در دست داشت. اتفاقاً در اثنای راه شخص پیاده ای در لباس اعراب به او برخورد کرد و با ایشان همراه شد. در بین راه شخص عرب مسئله ای را مطرح کرد، علامه حلی (ره) متوجه شد که این مرد عرب، انسانی است عالم و با اطلاع؛ بلکه کم مانند و بی نظیر، لذا بعضی از مشکلات خود را از ایشان سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آنها دارد، با کمال تعجب دید آن مرد حلال مشکلات و معضلات و کلید معماها است. باز مسائلی را که بر خود مشکل دیده بود؛ سؤال نمود و از شخص عرب جواب گرفت و خلاصه متوجه شد که این شخص علامه دهر است. چون ایشان تا به آن وقت کسی را مثل خودش ندیده بود و خودش هم که در آن مسائل متحیر بود. بالاخره در اثناء سؤال ها، مسئله ای مطرح شد، او در آن به خلاف نظر علامه حلی فتوا داد. ایشان قبول نکرد و گفت: این فتوا بر خلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی که مدرک آن باشد، نداریم. آن جناب فرمود: «دلیل این حکم که من گفتم حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است».

علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و به یاد ندارم دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند. آن مرد فرمود: «آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار صفحه را بشمار، در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می کنی». علامه با خود گفت: شاید این شخص که در رکاب من

می آید، مولای عزیزم حضرت بقیه الله روحی فداه باشد، لذا برای اینکه واقعیت امر برایش معلوم شود، پرسید: آیا ملاقات با حضرت صاحب الزمان (عج) امکان دارد یا نه؟ در همین حال تازیانه از دست او افتاد و آن شخص خم شد و آن را برداشت و با دست با کفایت خود در دست علامه گذاشت و در جواب پرسش او فرمود: «چطور نمی توان او را دید و حال آنکه الان دست او در دست تو است؟»

همین که علامه این کلام را شنید، بی اختیار خود را از روی حیوانی که بر آن سوار بود، بر پاهای آن امام مهربان انداخت تا پای مبارکشان را ببوسد و از کثرت شوق بی هوش گردید. وقتی به هوش آمد کسی را ندید و افسرده و ملول گشت.

بعد از این واقعه وقتی به خانه خود بازگشت، کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود، مشاهده نمود. پس در حاشیه کتاب تهذیب خود نوشت: این حدیثی است که مولایم صاحب الامر (عج) مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: «در فلان صفحه و فلان سطر می باشد».

آقا سید محمد، صاحب مفاتیح الاصول فرمود: من آن کتاب را دیدم و در حاشیه آن به خط علامه مضمون این جریان را مشاهده کردم»^{۱۴۹}.

۱۴۸ (۱). کشف المحجّه، ص ۱۶۸.

۱۴۹ (۱). قصص العلماء، ص ۳۵۹؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۶۱ و

در رابطه با دیدار عده‌ای از شیعیان با امام زمان (عج) داستان‌های زیادی نقل شده که نمی‌توان به راحتی از آنها چشم پوشید و آنها را نادیده گرفت؛ به عنوان نمونه: حضرت مهدی (عج) در شهر سامرا، اسماعیل هرقلی را شفا می‌بخشد و به او خبر می‌دهد که به زودی خلیفه ستمکار عباسی، به او مبلغ بزرگی خواهد داد و به او هشدار می‌دهد که نپذیرد.

آن حضرت، در نجف اشرف، مرد مسلول و گرفتاری را به دیدار خویش مفتخر می‌سازد و بیماری سخت را بر طرف می‌کند و به او خبر می‌دهد که به آرزویش خواهد رسید^{۱۵۰}.

آن حضرت در تنگناها، به فریادشان می‌رسد، شرّ دشمنان را از آنان بر طرف می‌سازد و به آنان از توطئه‌ها، حيله‌ها و نقشه‌هایی که برای اذیت و آزارشان می‌کشند، خبر می‌دهد. آن گاه به صورت ناگهانی، از برابر دیدگانشان پنهان می‌گردد تا غیبت او به صورت ناگهانی دلیل این باشد که او همان مهدی (عج) است نه دیگری.

در بعضی منابع معتبر، جریان ملاقات عده‌ای از صالحان و عالمان نقل شده که به اسامی آنان اشاره می‌شود:

ابراهیم بن ادريس ابو احمد، ابراهيم بن عبده نیشابوری، ابراهيم بن محمد تبریزی، ابراهيم بن مهزیار ابواسحاق اهوازی، احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، احمد بن حسین بن عبدالملک ازدی، احمد بن عبدالله هاشمی، احمد بن هلال ابوجعفر عبرتایی، احمد بن محمد بن مطهر ابو علی، اسماعیل بن علی نوبختی ابوسهل، ابو عبدالله بن صالح، ابو محمد حسن بن وجناء نصیبی، حکیمه خاتون (دختر امام جواد)، الزهری، رشیق صاحب المادرائی، ابوالقاسم الروحی، علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی، علی بن محمد شمشاطی، غانم ابو سعید هندی، ابو عمر و عثمان سعید عمری، محمد بن احمد انصاری، ابو نعیم زیدی، محمد بن اسماعیل بن موسی الکاظم، محمد بن جعفر ابوعباس حمیدی، محمد بن حسن بن عبیدالله تمیمی زیدی، محمد بن صالح بن علی بن محمد و ...^{۱۵۱}.

جالب‌تر اینکه دانشمند بزرگی چون ابن عربی نیز ادعای ملاقات و دیدار با امام علیه السلام را کرده است.

وی می‌گوید: «برای ولایت محمدیه - که تنها اختصاص به شریعت نازل شده بر [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارد - نشانه خاصی هست ... همانا او در زمان ما متولد شده و من نیز او را دیدم و با او همنشین شدم و نشانه خاتمیت را در او دیدم.

هیچ ولی‌ای بعد از او نیست؛ مگر اینکه به او رجوع می‌کند، همچنان که هیچ پیامبری بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست، مگر اینکه به او رجوع کند»^{۱۵۲}.

^{۱۵۰} (۱). ر. ک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۴۴۰.

^{۱۵۱} (۲). ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۲۵۹، ۲۷۱، ۳۲۰ و ...؛ کمال الدین، ج ۲؛ ارشاد مفید، ج ۲؛ نجم الثاقب، به نقل از: موعود نامه، ص ۶۹۴ و ۶۹۵.

^{۱۵۲} (۱). ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۱۸۵.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجوئی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. میری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

وی در جای دیگری از کتاب فتوحات مکیّه می گوید: «اما نشان ولایت محمدیه از آن مردی از عرب است که از شریف ترین اصل و نسب برخوردار است.

او در همین زمان ما موجود است. من در سال ۵۹۵ ه. ق با او آشنا شدم و نشانه ای را که او دارا است دیدم؛ همان نشانه ای که [حضرت] حقّ آن را از دید بندگان پوشیده داشته و برای من در شهر فاس آشکار ساخت و دریافتم که او خاتم ولایت است ...»^{۱۵۳}.

در قرن های بعد نیز بزرگان، صالحان و علمای وارسته ای به محضر امام زمان (عج) مشرف شده که تردیدی در بیشتر این دیدارها و ملاقات ها وجود ندارد.

برخی از این افراد رستگار عبارت اند از: ابن طاووس، علامه بحر العلوم، مقدّس اردبیلی، علامه حلی، آیه الله مرعشی نجفی، آیه الله نمازی شاهرودی، حاج علی بغدادی، ابو راجح حمّامی، سید مهدی قزوینی، آیه الله امین عاملی،

ملا هاشم قزوینی، شیخ حسنعلی نخودکی، شیخ مرتضی انصاری، آیه الله بهاء الدینی، شیخ حرّ عاملی، شیخ محمد تقی بافقی و

داستان تشرّفات این بزرگان در منابع معتبر نقل شده و مطالعه شرح حال آنان و نحوه ملاقاتشان با امام زمان (عج)، نشانگر درستی این دیدارها است؛ به خصوص آنکه بسیاری از این حکایت ها، بعد از وفات آنان نقل شده است و در اکثر موارد این عنایت و تفضّل خود امام علیه السلام بوده که شامل حال آنان گردیده است.

چنان که خود آن حضرت می فرماید: «ما بر اوضاع و اخبار شما و جامعه شما، به خوبی آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی ماند» **«فانّ نحیط علماً بانبائکم و لا یعزب عنّا شیء من اخبارکم»**؛ ما از سرپرستی و رسیدگی به کارهای شما، کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه خاطر خویش نزدوده ایم که اگر جز این بود، امواج سختی ها بر شما فرود می آمد و دشمنان کینه توز، شما را ریشه کن می ساختند **«انّا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لو لا ذلک لنزل بکم اللّواء»**. ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، به وسیله نیایش و راز و نیازی که از فرمانروای آسمان ها و زمین پوشیده نمی ماند، آنان را حفاظت و نگهداری می کنیم **«لأنّا من وراء حفظهم بالدّعا الّذی لا یحجب عن ملک الأرض و السماء»**.

اگر شیعیان ما- که خداوند آنان را در فرمان برداری خویش توفیقشان ارزانی دارد- به راستی در راه وفای به عهده که بر دوش دارند، همدل و هماهنگ بودند، هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر روزی آنان می گشت **«و لو انّ اشیاعنا- و ققهم الله لطاعته- علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم ... لمّا تأخّر عنهم الیمن بلقائنا»**^{۱۵۴}.

^{۱۵۳} (۲). همان، ج ۲، ص ۴۹.

^{۱۵۴} (۱). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵ و ۱۷۷.

پرسش ۱۹. طبق توقیع شریف امام مهدی (عج) می فرماید: «هر کس بگوید که مرا دیده است، دروغ گفته است»،

در حالی که در طرف دیگر می بینیم بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند امام زمان (عج) را دیده اند؟ این تناقض را چگونه توجیه می کنید؟

پیش از بیان پاسخ ابتدا متن توقیع شریف را ذکر می کنیم، آن گاه به بررسی سندی و دلالتی آن می پردازیم. در توقیع منسوب به آن حضرت خطاب به علی محمد سمري آمده است:

«يا عَلِيُّ بن مُحَمَّد السَّمري أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ اخوانِكَ فَيَك: فَأَنْتَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ، وَ لَا تُوصِلِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ، فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ اذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَ سَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ»^{۱۵۵}؛ «ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادران دینی تو را در سوگ تو افزون کند. تو زندگی را شش روز دیگر بدرود خواهی گفت. کار خویش را سامان بخش و به کسی در مورد جانشینی خود [در نیابت خاصه] وصیت نکن که غیبت کامل کبری آغاز گردیده و ظهور جز به اذن الهی تحقق نیابد و آن، پس از مدتی دراز و قساوت دل ها و آکنده شدن زمین از جور و ستم خواهد بود. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده ما را داشته باشند، سخت دروغ گو و افترا زننده است».

از این توقیع استفاده می شود کسانی که پیش از خروج سفیانی و شنیده شدن صیحه آسمانی، ادعای رؤیت و مشاهده کنند، «کذاب و مفتری» خواهند بود و تکذیب آنان لازم است.

بخشی از این توقیع، نهی از وصیت و سفارش خاص (بعد از علی بن محمد سمري) است و مدعیان خاص را پس از وی ردّ می کند و کسانی که تا هنگام ظهور حضرت، چنین ادعایی بکنند، باید تکذیب شوند.

همچنین از این توقیع استفاده می شود که ظهور حضرت در بین مردم، به اجازه خدا و پس از مدّت طولانی است؛ آن گاه که قلب ها سخت گردد و زمین پر از ستم شود. با توجه به اینکه خواص یاران حضرت در غیبت صغری ایشان را مشاهده کرده اند، توقیع نفی ظهور و رؤیت کلی می کند و جمله «فلا ظهور ...» این معنا را می رساند؛ زیرا ظهور به معنای بروز پس از خفا است.

و «لای نفس جنس»، همراه استثنا بدین معنا است که هیچ ظهوری ندارد و افراد، وی را مشاهده نمی کنند؛ مگر پس از اذن الهی^{۱۵۶}.

^{۱۵۵} (۱). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶۰، ح ۷؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۷.

^{۱۵۶} (۱). ر. ک: چشم به راه مهدی، ص ۴۸.

پس برابر این توقیع، مدعی مشاهده دروغ گو است و ادعای وی قابل پذیرش نیست. پاسخ های چندی به اشکالات و مباحث مطرح در این توقیع ارائه شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. بررسی سندی

به نظر برخی، این روایت مرسل و سند آن ضعیف است. حسن بن احمد مکتب (راوی توقیع)، شناخته شده نیست و صدور توقیع مذکور ثابت نمی شود.

محدث نوری در نجم الثاقب می گوید: «این خبر ضعیف و غیر آن، خبر واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد.

پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدا می شود. هر چند از هر یک از آنها پیدا نشود؛ بلکه از جمله ای از آنها دارا بودن کرامات و خارق عاداتی را که ممکن نباشد صدور آنها از غیر آن جناب استفاده می شود. پس چگونه رواست اعراض از آنها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن (شیخ طوسی)، عمل نکرده به آن در همان کتاب»^{۱۵۷}.

۲. بررسی دلالی

از نظر دلالت، با عنایت به اینکه علی بن محمد سمري، نیابت خاص از آن حضرت داشت (و در این زمینه نیز بارز و شناخته شده بود)، مقصود از «ادعای مشاهده»، در این روایت مطلق مشاهده [او دیدار] آن حضرت نیست؛ بلکه همان طور که علامه مجلسی نیز احتمال داده است، مراد ادعای دیدار همراه با نیابت از آن حضرت و آوردن اخبار و دستورات از جانب ایشان، مانند سایر نمایندگان آن حضرت در عصر غیبت صغری است^{۱۵۸}. این توقیع، اعلام پایان یافتن «غیبت صغری» و شروع «غیبت کبری» است که در آن به جناب علی بن محمد سمري (ره)، امر شده است که به احدی وصیت نکند که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد. و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام علیه السلام و مردم می نمایند.

پس مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری است، ممکن است کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی کنند^{۱۵۹}. امام خواست این باب را مسدود کند

و به مردم خبر دهد که هر کس ادعای دیدار مرا بکند و بگوید من وکیل یا نایب خاص آن حضرت هستم و این طور آن حضرت را می بینم، دروغ گو است و او را تکذیب کنند.

۳. اعراض از توقیع

^{۱۵۷} (۱). نجم الثاقب، ص ۴۸۴.

^{۱۵۸} (۲). ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸ و ۳۲۵.

^{۱۵۹} (۳). امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۷۵.

توقیع - به فرض صحت سند - معرض عنه است؛ چرا که اصحاب حکایات زیادی نقل کرده اند که اشخاص معتمدی با امام زمان (عج) دیدار داشته اند و حتی خود شیخ طوسی که توقیع را نقل کرده، به آن عمل نکرده است.

صاحب منتخب الاثر می گوید: «این توقیع منافی است با آنچه کل افراد بر آن ظاهراً اتفاق نظر دارند. حتی شیخ طوسی که این توقیع را نقل کرده، شمار زیادی را نام برده که حضرت را مشاهده کرده اند ... [خود وی] به آن عمل نکرده و اصحاب از آن اعراض کرده اند. پس توان معارضه با این وقایع و حکایاتی که از مجموع آنها قطع حاصل می شود، ندارد»^{۱۶۰}. در واقع، عمل کنندگان به این توقیع بسیار اندک هستند.

۴. تعارض با ادعیه و روایات

این روایت ضعیف السند با روایاتی که مشتمل بر ادعیه و اعمال خاص برای رؤیت صاحب الزمان می باشند، متعارض است و آنها از نظر سند قوی تر و از نظر دلالت روشن تر هستند؛ بلکه بعضی از این روایات، دارای سند صحیح هم هستند. همان طور که محدث نوری در باب دوازدهم کتاب نجم الثاقب، دعاها را برای دیدار صاحب الزمان ذکر کرده است.

۵. مفهوم توقیع

ممکن است مراد از توقیع مذکور، نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد؛ یعنی، اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند - به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام عصر (عج) شرفیاب می شود یا ارتباط پیدا می کند - کذاب و افترا زننده است و این ادعا از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست؛ یا اینکه چنین کسی که این سمت را به راستی داشته باشد، پیدا نخواهد شد و اگر هم کسی آن را دارا باشد، از دیگران مکتوم می دارد و به کسی اظهار و افشا نمی کند. اجمالاً با این توقیع، در آن همه حکایات و وقایع مشهود و متواتر نمی توان خدشه کرد و بر حسب سند نیز، ترجیح با این حکایات معتبر است.

اگر به کتاب هایی چون نجم الثاقب رجوع کنیم، می بینیم که در این حکایات، وقایعی است که هرگز شخص عاقل در صحت آنها نمی تواند شک کند. بنابراین هم شرفیابی اشخاص به حضور آن امام عزیز ثابت است و هم کذب و بطلان ادعای کسانی که در غیبت کبری، ادعای سفارت و نیابت خاصه و وساطت بین آن حضرت و مردم را می نمایند، معلوم است^{۱۶۱}. پس صرف دیدار، در روایت منتفی نشده است و علما نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده اند؛ اما از آنجایی که قطعاً نمی توان توقیع را رد کرد، باید تا حد امکان به مفاد آن عمل نمود و مدعیان دیدار و مشاهده را - به خصوص در جاهایی که هیچ قرینه و شاهی بر اثبات ادعای آنها وجود ندارد - تکذیب کرد.

به علاوه روایت، مدعی مشاهده را «کذاب» می داند؛ حال اگر کسی امام را ببیند و به دیگران نگوید، مشمول این روایت نمی باشد و بر این اساس اصل دیدار، امر ممکن خواهد بود.

^{۱۶۰} (۱). منتخب الاثر، ص ۴۰۰.

^{۱۶۱} (۱). ر. ک: امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۷۵؛ آخرین امید جهان، ص ۲۳۸.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

نکته دیگر آنکه بیشتر بزرگان و علمایی که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان - از روی شواهد و قرائنی و یا در زمان های بعد - متوجه دیدار آن عالم با امام می شدند.

لذا علما، تحت عنوان مدعی مشاهده، قرار نمی گیرند و این توقیع، با داستان ملاقات برخی از بزرگان منافات ندارد.

بدیهی است پذیرفتن امکان دیدار امام عصر (عج)، بدین معنا نیست که هر کس مدعی دیدار شد، می توان او را تصدیق کرد. بی تردید، تصدیق مطلق، مانند تکذیب مطلق ناروا است. مدعیان دروغ گو و شیاد بسیاری و ساده اندیشی در این باب، بسیار خطرناک است! نمونه های فراوانی از این موارد، در عصر حاضر دیده و شنیده شده که در اینجا مجالی برای ذکر آنها نیست و تنها یک نمونه کافی است که مشخص شود، خطر تا چه اندازه جدی است و شیادان در این باره تا کجا پیش می روند. یکی از مدعیان ارتباط با امام عصر (عج) در زمان حیات امام خمینی (ره) با یکی از مسئولان بلند پایه جمهوری اسلامی تماس گرفته، می گوید: پیغامی از حضرت بقیه الله (عج) برای امام دارم که باید حضوری به ایشان عرض کنم. گویا آن مسئول بلند پایه باور کرده بود که مدعی راست می گوید. لذا جریان را به اطلاع امام خمینی (ره) می رساند.

امام در پاسخ می فرمایند: به او بگویید «من کور باطن هستم - اشاره به اینکه بی دلیل چیزی را نمی پذیرم - سه سؤال از وی بکنید و بگویید: اگر با ولی عصر (عج) ارتباط دارد، ابتدا پاسخ این سؤال ها را بیاورد، بعد پیغام آن حضرت را بگوید:

۱. من یک چیزی را دوست دارم، آن چیست؟^{۱۶۲}

۲. چیزی را گم کرده ام، کجا است؟^{۱۶۳}

۳. ربط حادث به قدیم چگونه است؟

اما مدعی - یا مدعیان - به جای پاسخ به پرسش های امام، نامه ای سراسر اهانت به ایشان می نویسند که چرا از واسطه ولی عصر (عج) برای اثبات ادعایش دلیل و برهان می خواهد! امام نامه را می فرستند که در جلسه سران قوا خوانده شود تا ...».

در این داستان چند نکته بسیار آموزنده وجود دارد:

۱. هشدار به جوانان، وقتی که مدعیان دروغین در صدد اغوای شخصی مانند حضرت امام (ره) باشند، فریب دادن جوانان ساده لوح برای آنان بسیار آسان است.

^{۱۶۲} (۱). عکسی منسوب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در اتاق امام (ره) است.

^{۱۶۳} (۱). امام راحل دیوان شعری داشتند که مفقود شده بود.

۲. ادعای ارتباط با امام عصر (عج) آسان است. هر کس می تواند این ادعا را داشته باشد، مهم این است که مدعی می تواند ادعای خود را با دلیل اثبات کند، یا نمی تواند؟ و بالاخره تصدیق و تکذیب مدعی، باید متکی بر دلیل و برهان باشد.

۳. دلیلی می تواند ارتباط مدعی را اثبات کند که حاکی از ارتباط با عالم غیب باشد؛ لذا امام (ره) سؤال های خود را به گونه ای طراحی کرد که پاسخ دادن به آنها ممکن نبود (مگر از طریق علم غیب و ارتباط با معصوم)^{۱۶۴}.

با این حال برای خود امام راحل (ره) مواردی اتفاق افتاده بود که از آن احتمال مشاهده و دیدار برداشت می شد؛ ولی ایشان آنها را بروز نمی داد.

مرحوم حجة الاسلام سید محمد کوثری نقل می کند: یک روز من در منزل آیه الله فاضل لنکرانی بودم و یکی از فضلاء مشهد نیز آنجا بود. وی به نقل از یکی از دوستانشان گفت: در نجف اشرف در خدمت امام بودیم؛ صحبت از ایران

به میان آمد. من گفتم: این چه فرمایش هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می فرمایید؟ یک مستأجر را نمی شود از خانه بیرون کرد؛ آن وقت شما می خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کرد؛ من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده اند، سخنم را تکرار کردم!! امام برآشفته و فرمود:

فلانی چه می گویی؟ مگر حضرت بقیه الله (عج) به من (نستجیر بالله) خلاف می فرماید؟! شاه باید برود و شاه از مملکت بیرون رفت. ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیه الله (عج) داشت^{۱۶۵}.

یکی از علما نقل می کند: «روز ۲۲ بهمن که امام راحل دستور دادند که مردم در خیابان ها بریزند؛ چون ما حکومت نظامی نداریم. این جریان را به مرحوم آیه الله طالقانی اطلاع دادند. در آنجا من در خدمت ایشان بودم. آیه الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن زد و مدت نیم تا یک ساعت با امام صحبت کرد. برادران بیرون از اتاق بودند، فقط می دیدند که آیه الله طالقانی، مرتب به امام عرض می کند: آقا! شما ایران نبودید، این نظام پلید است! به صغیر و کبیر ما رحم نمی کند؛ شما حکمتان را پس بگیرید! برادران یک وقت متوجه شدند که آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشت و به حالت تأثر در گوشه اتاق نشست.

بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند و با این تصور که احیاناً امام به ایشان تندی کرده است، گفتند: آقا! شما چرا دخالت می کنید و از این قبیل حرف ها ... و با اصرار از آیه الله طالقانی جریان را سؤال کردند؛ ایشان گفت: هر چه به امام عرض کردم، حرف مرا رد کرد و وقتی دید من قانع نمی شوم، فرمود: آقای طالقانی شاید این حکم از طرف امام زمان (عج) باشد. این را که از امام شنیدم، دست من لرزید

^{۱۶۴} (۲). محمد ری شهری، برکات سرزمین وحی، ص ۸۴ و ۸۵.

^{۱۶۵} (۱). پا به پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۷۱.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجوین موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

و با امام خداحافظی کردم؛ زیرا دیگر قادر نبودم سخنی بگویم»^{۱۶۶}. با حضور به موقع مردم در خیابان ها و بی اعتنایی به حکومت نظامی، توطئه رژیم شکست خورد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

داستان های ملاقات کنندگان

پرسش ۲۰. اگر ممکن است چند نمونه از داستان ها و حکایات کسانی که به حضور امام زمان (عج) مشرف شده اند برایم بنویسید.

تشرف آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ قمری) مرجع بزرگ شیعیان جهان دروس ابتدایی طلبگی را در روستای «مدیسه» از توابع لنجان اصفهان نزد یکی از اهل علم آن دیار آغاز نمود.

پس از گذراندن دوره ابتدایی تصمیم گرفت به حوزه اصفهان - که در آن عصر یکی از حوزه های مهم شیعه به شمار می رفت - مهاجرت نماید. برای این منظور با پدرش سید محمد به مشورت پرداخت. سید محمد لحظاتی چند غرق در اندیشه شد. آنگاه سر برداشت و در حالی که اندکی خشمگین به نظر می رسید، به فرزندش گفت: «اگر به اصفهان بروی، من عهده دار هزینه زندگی تو نمی شوم».

سید از گفتار پدر شگفت زده شد و به فکر فرو رفت و به وعده های الهی در این که ضامن روزی بندگان است و سخنان ارزنده امامان بزرگوار در فضیلت علم و دانش اندیشید. این افکار به او قوت قلب داد و عزمش را برای رفتن

به اصفهان جزم تر نمود. لذا سر از دامن تفکر برداشت و با حالتی حاکی از اطمینان نفس به پدر گرفت: «اشکالی ندارد، فقط شما اجازه رفتن به من بدهید، من خود عهده دار دیگر امور آن خواهم شد».

گویا اصرار سید ابوالحسن، بر خشم پدر افزود. لذا برای بار دوم گفت:

«فرزندم؛ طلبه مشو. گرسنگی دارد، محرومیت به دنبال خواهد داشت، بی خانه و کاشانه و آواره خواهی شد. از اینها گذشته با دوری خانواده و خویشاوندان چه خواهی کرد؟!»

این حرف ها در گوش سید ابوالحسن فرو نمی رفت و او همچنان برای بار دوم از پدر خواست که به وی اجازه رفتن بدهد ...

پس از پافشاری های زیادی که سید ابوالحسن از خود نشان داد، پدر با رفتنش موافقت نمود. درست در آن هنگام بود که برق شادی در چشمان سید درخشید.

لبخند شادی بر لبانش نقش بست. دست پدر را بوسید و از او صمیمانه تشکر کرد.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویان موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

لحظه جدایی فرا رسید. سید ابوالحسن با دستی خالی بدون این که کوله بار و ره توشه‌ای به همراه داشته باشد، به سوی اصفهان حرکت کرد.

اما در همان ابتدا، لحظاتی چند خاطرش پریشان شد و افکاری وسوسه‌آمیز پی در پی بر او هجوم آورد: با تنهایی، غربت و فقر چه خواهی کرد؟ ...

ناگهان به یاد امام زمان (عج) افتاد و اشک در چشمانش حلقه زد و با امیدواری و اطمینان نفس به راه افتاد ...

سید ابوالحسن در اوایل نوجوانی و بلوغ در سن ۱۴ سالگی وارد اصفهان شد و در مدرسه صدر حجره‌ای گرفت و به درس و بحث مشغول شد.

شب‌های زمستان وقتی پدرش برای دیدن فرزند خود به حجره او می‌آید، با وضع ناهنجاری مواجه می‌شود. حجره او را خالی از هرگونه

وسایل ابتدایی برای زیستن می‌بیند: نه فرش و گلیم و زیراندازی، و نه چراغی برای روشن کردن حجره.

با سخنانی سرزنش‌آمیز به سید ابوالحسن می‌گوید: نگفتم طلبه نشو، گرسنگی دارد! محرومیت و فقر به دنبال دارد؟! او آن‌قدر در این زمینه سخن می‌گوید که فرزند آزرده‌خاطر می‌شود و در همان لحظه که سخت دگرگون شده بود، به طرف قبله می‌ایستد و امام زمان (عج) را مورد خطاب قرار می‌دهد و با چشمانی اشک‌بار و لحنی ملتمسانه می‌گوید: «آقا عنایتی کنید تا نگویند شما آقا ندارید!»

لحظاتی چند نمی‌گذرد که فردی ناشناس در مدرسه صدر را به صدا در می‌آورد.

وقتی خادم مدرسه در را باز می‌کند، فرد ناشناس از او سراغ سید ابوالحسن را می‌گیرد و خادم سید ابوالحسن را به کنار در مدرسه فرا می‌خواند. سید ابوالحسن با سیدی خوش‌سیما روبرو می‌شود که پس از دلجویی به او پنج‌قران می‌دهد و می‌گوید: «شمعی نیز در طاقچه حجره است، آن را بردار و روشن کن تا نگویند شما آقا ندارید».

شخص ناشناس با این سخن، سید ابوالحسن را تنها می‌گذارد و می‌رود.

سید به حجره بر می‌گردد و ماجرا را برای پدر تعریف می‌کند. سید محمد نیز مانند پسر، دچار بهت و حیرت می‌شود و اشک از چشمانش سرازیر می‌گردد و در همان حال فرزند را در آغوش می‌گیرد و بوسه‌هایی چند بر صورت گلگونش می‌زند و با قلبی شاد به مدیسه باز می‌گردد.^{۱۶۷}

عنایت آقا امام زمان (عج) (نماز اول وقت یادت نرود!)

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. مهدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

... صدای اذان از رادیو ماشین به گوش رسید، جوانی که در کنارم نشسته بود بلند شد و به طرف راننده رفت و به او گفت: آقای راننده! می‌خواهم نماز بخوانم.

راننده با بی‌تفاوتی و بی‌خیالی گفت: برو بابا حالا کی نماز می‌خواند! بعدش هم توجهی به این مطلب نکرد، ولی جوان با جدیت گفت:

به تو می‌گویم نگهدار!

راننده فهمید که او بسیار جدی است، گفت: اینجا که جای نماز خواندن نیست، وسط بیابان، بگذار به یک قهوه‌خانه یا شهری برسیم، بعد نگویم می‌دارم.

خلاصه بحث بالا گرفت راننده چاره‌ای جز نگه‌داشتن نداشت. بالاخره ماشین را در کنار جاده نگه‌داشت، جوان پیاده شد و نمازش را با آرامش و طمأنینه خواند، من هم به تأسی از وی نماز خواندم. پس از نماز وقتی در کنار هم نشستیم و ماشین حرکت کرد از او پرسیدم: چه چیز باعث شده که نمازتان را اول وقت خواندید؟

گفت: من به امام زمانم، حضرت ولی‌عصر (عج) تعهد داده‌ام که نماز را اول وقت بخوانم.

تعجب من بیشتر شد، گفتم: چگونه و به خاطر چه چیز تعهد دادید؟

گفت: من قضیه و داستانی دارم که برایتان بازگو می‌کنم، من در یکی از کشورهای اروپایی برای ادامه تحصیلاتم درس می‌خواندم، چند سالی بود که آنجا بودم، محل سکونت من در یک بخش کوچک بود و تا شهر که دانشگاه در آن قرار داشت فاصله زیادی بود که اکثر اوقات با ماشین این مسیر را طی می‌کردم.

ضمناً در این بخش، یک اتوبوس بیشتر نبود که مسافران را به شهر می‌برد و برمی‌گشت. برای فارغ‌التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را می‌دادم، پس از

سال‌ها رنج و سختی و تحمل غربت، خلاصه روز موعود فرا رسید، درس‌هایم را خوب خوانده بودم، آماده بودم برای آخرین امتحان سوار ماشین اتوبوس شدم و پس از چند دقیقه، اتوبوس در حالی که پر از مسافر بود راه افتاد، من هم کتاب جلویم باز بود و می‌خواندم، نیمی از راه آمده بودیم که یکباره اتوبوس خاموش شد، راننده پایین رفت و کاپوت ماشین را بالا زد، مقداری موتور ماشین را نگاه کرد و دستکاری نمود، آمد استارت زد، ماشین روشن نشد، دوباره و چندین بار همین کار را کرد، اما فایده‌ای نداشت، (این وضعیت) طولانی شد و مسافران آمده بودند کنار جاده نشسته و بچه‌های‌شان بازی می‌کردند و من هم دلم برای امتحان شور می‌زد و ناراحت بودم، چیزی دیگر به موقع امتحان نمانده بود، وسیله نقلیه دیگری هم از جاده عبور نمی‌کرد که با او بروم، نمی‌دانستم چه کنم، در اضطراب و نگرانی و ناامیدی به سر می‌بردم، تا شهر هم راه زیادی بود که نمی‌شد پیاده بروم، پیوسته قدم می‌زدم و به ماشین و جاده نگاه می‌کردم که همه تلاش‌های چندساله‌ام از بین می‌رود و خیلی نگران بودم.

جزوه پرسش و پاسخ های دانشجویی موضوع: دوران ظهور و پس از ظهور استاد: م. بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

یکباره جرقه‌ای در مغزم زد که ما وقتی در ایران بودیم در سختی‌ها متوسل به امام زمان (عج) می‌شدیم و وقتی کارها به بن بست می‌رسید از او کمک و یاری می‌خواستیم، این بود که دلم شکست و اشکم جاری شد، با خود گفتم: یا بقیة الله! اگر امروز کمکم کنی تا به مقصدم برسم، قول می‌دهم و متعهد می‌شوم که تا آخر عمر نمازم را همیشه سر وقت بخوانم.

پس از چند دقیقه آقایی از آن دورها آمد و رو کرد به راننده و گفت:

چه شده؟ (با زبان خود آنها حرف می‌زد). راننده گفت: نمی‌دانم هر کار می‌کنم روشن نمی‌شود. مقداری ماشین را دست‌کاری کرد و کاپوت را بست و گفت: برو استارت بزن!

چند استارت که زد ماشین روشن شد، همه خوشحال شدند و سوار ماشین گشتند و من امیدی در دلم زد و امیدوار شدم، همین که اتوبوس می‌خواست راه بیفتد، دیدم همان آقا بالا آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: «تعهدی که به ما دادی یادت نرود، نماز اول وقت!» و بعد پیاده شد و رفت و من او را ندیدم. فهمیدم که حضرت بقیة الله امام عصر (عج) بوده، همین‌طور اشک می‌ریختم که چقدر من در غفلت بودم. این بود سرگذشت نماز اول وقت من^{۱۶۸}.

تشریف سید مهدی بحر العلوم

محدث نوری می‌نویسد: «حدیث کرد مرا عالم فاضل صالح با ورع در دین میرزا حسین لاهیجی که مجاور روضه مقدسه امام علی علیه السلام و از صالحان با تقوا و مورد وثوق و ثابت قدم نزد علما است این که نقل کرد برای من عالم صفی مولی زین العابدین سلماسی که سید جلیل بحر العلوم روزی وارد حرم امیرالمؤمنین علیه السلام شد و ناگهان شروع به قرائت این ابیات نمود:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

از او سؤال کردند که برای چه این اشعار را خواندی؟ فرمود: چون وارد حرم مطهر شد حضرت حجت (عج) را مشاهده کردم که در بالای سر نشسته و با صدای بلند مشغول قرائت قرآن است، چون صدای او را شنیدم این شعر را قرائت کردم ...»^{۱۶۹}.

الهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.....

^{۱۶۸} (۱). نماز و عبادت امام زمان (عج)، عباس عزیزی، ص ۸۵.

^{۱۶۹} (۲). جنۃ المأوی مطبوع با بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲؛ النجم الثاقب، ص ۷۹.